

عوامل زمینه‌ساز زیست‌جنسی زنان در باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی شهر اصفهان

سید علی هاشمیانفر^۱، نفیسه چینی^۲، مریم مکتوبیان^{۳*}

چکیده

با چرخش مفهومی غریزه جنسی به لذت جنسی شاهد غلبه گفتمان‌های جنسی به حوزه‌های اجتماعی و درنوردیده‌شدن مرز میان فضاهای خصوصی و عمومی هستیم. یکی از نمودهای ورود گفتمان‌های جنسی به فضاهای عمومی را می‌توان در میدان بررسی‌شده پژوهش حاضر، یعنی در باشگاه‌های ورزشی، مشاهده کرد. پژوهش حاضر با هدف شناخت عوامل زمینه‌ساز زیست‌جنسی زنان در باشگاه‌های ورزشی در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵ در بازه زمانی ۱۸ ماه مطالعه عمیق انجام شد. گردآوری اطلاعات با استفاده از مشاهده، مشاهده مشارکتی و مصاحبه نیم‌ساخت‌یافته با ۲۱ نفر از زنان ورزشکار شهر اصفهان انجام گرفت. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری هدف‌مند، نظری و گلوله‌برفی است. برای تحلیل اطلاعات از تکنیک‌های نظریه داده‌بنیاد و رویکرد کدگذاری استراوس استفاده شد. همچنین، برای حصول اعتباریابی پژوهش از روش تطبیق توسط اعضا، بررسی همکار و مشارکتی بودن پژوهش استفاده شد. تحلیل اطلاعات در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی بیانگر این است که در شناخت عوامل زمینه‌ساز زیست‌جنسی زنان در باشگاه‌های ورزشی علایق جنسی تغییر یافته به‌منزله شرایط علی اثرگذار، فرهنگ هوسران به‌منزله شرایط بسترساز، فانتزی‌های زیبایی در قالب استراتژی‌ها و پیامدهایی در ابعاد روانی و اجتماعی مهم و درخور توجه‌اند. بنابراین، درهم‌ریختگی زیست‌جنسی زنان به‌منزله هسته مرکزی باید مورد توجه سیاست‌گذاران فرهنگی قرار بگیرد. خلق مفاهیم جدید در ایجاد هنجارهای نو یا جایگزینی هنجارهای ناکارآمد گذشته می‌تواند به کاهش بی‌هنجاری زیست‌جنسی و سامان بخشیدن به این نیاز اساسی کمک کند.

کلیدواژگان

باشگاه‌های ورزشی، پیامدهای روانی و اجتماعی، زنان، زیست‌جنسی، علایق جنسی تغییر یافته، فانتزی‌های زیبایی، فرهنگ هوسران، کلیشه‌های جنسیتی، گفتمان‌های جنسی، نظریه داده‌بنیاد.

seyedalihashemianfar@yahoo.com

nf_shehari@yahoo.com

m_maktoobiyani@yahoo.com

۱. هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه دهقان

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۲

طرح مسئله

مدیریت بدن در ابعاد گوناگون آن (آرایش، جراحی‌های زیبایی، رویه‌های لاغری و سلامتی، تصور از بدن، ارزیابی بدن و رضایت از بدن) پدیده‌ای اجتماعی است که در بافت گفتارها و زمینه‌ها و مناسبات جمعی اتفاق می‌افتد. طی چندین سال حضور در باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی، برخورد با زنان ورزشکار و مشاهده جو سالن‌های ورزشی شهر اصفهان تلقی جدیدی از رفتار زنان ورزشکار در این مراکز شکل گرفت و آن اینکه مواردی غیر از سلامتی باعث گرایش افراطی افراد و هجوم آن‌ها به این باشگاه‌ها شده است؛ هرچند بعضی از افراد با شرایط سنی و جسمی خاص فقط برای سلامتی راهی این‌گونه مراکز می‌شوند. در این زمینه، بدن که اساساً پدیده‌ای طبیعی و زیست‌شناختی است، به‌مرور زمان به شیوه‌ای اجتماعی شکل می‌یابد، مدیریت و کنترل می‌شود و به موضوعی جنسی بدل می‌شود. انواع دست‌کاری‌های انجام‌شده و فراوانی آن‌ها، مانند سوراخ‌کردن ناف، میل شدید به رقص و پوشیدن لباس تنگ و بدن‌نما، مثل «نیم‌تنه»، عضویت بیشتر افراد در ورزش‌های زومبا و ایروبیک^۱، که فرصت برهنگی در آن‌ها وجود دارد، نوع دیالوگ و مکالمات انجام‌شده بین افراد، تبادل جوک‌های جنسی، تشویق به عمل‌های زیبایی با محور بودن زیبایی و میل به خودنمایی، نارضایتی شدید زنان ورزشکار از زندگی زناشویی، انجام ماساژهای لاغری برای همه بدن، خالکوبی و تاتو و... پژوهش‌گران را بر آن داشت تا به دنبال انگیزه‌ای غیر از سلامتی بین افراد در سالن‌های ورزشی شهر اصفهان باشند.

پس‌اساختارگراها بر نیازهای متفاوت زنان تأکید می‌کنند و متذکر می‌شوند که ورزش به‌طور بالقوه توانایی آن را دارد که مرزهای جنسیتی را بشکند و دوگانگی آن‌ها را بازسازی کند. در واقع، ورزش هم می‌تواند دوگانگی‌های متضاد را تقویت کند، هم این دوگانگی‌ها را به چالش بکشد. ضرورت موضوع آنجاست که تقریباً ۷۰ درصد از مراجعان مراکز مشاوره، میان‌سالان متأهلی‌اند که دچار عشق‌های نامتعارف از هنجارها شده‌اند. همچنین، ۶۰ درصد طلاق‌ها در مسائل جنسی ریشه دارد؛ چنان‌که انتظارات فرهنگی زنانگی در زیرمجموعه مطالعات ورزشکاران زن قرار می‌گیرد [۳۰] و با توجه به اهمیت موضوع به نظر می‌رسد انجام این مطالعه در فضای باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی می‌تواند ریشه‌های اصلی شکل‌گیری این جریان را در شهر اصفهان به مدیران فرهنگی استان معرفی کند و زمینه لازم برای مطالعات بعدی را در راستای استحکام نظام خانواده فراهم کند. براین اساس، پژوهش حاضر به بررسی فضاهای ورزشی شهر اصفهان می‌پردازد تا بتواند به تفسیر جامعه‌شناختی زیست‌جنسی حوزه‌های عمومی زنان دست یابد. نامتعادل بودن فضای خصوصی و عمومی، به‌گونه‌ای که فضای خصوصی به عمومی کشیده شود و بالعکس، ذهن پژوهش‌گران را به شدت درگیر کرد که چه تغییری در باورها و سبک زندگی زنان ایجاد شده است؟ چگونه کلیت وجودی زن به جسمش

۱. زومبا (Zumba): نوعی حرکات منظم و برنامه‌ورزشی است که رقصنده کلمبیایی، کریستوفر آلبرتو پرز، در دهه ۱۹۹۰ بنیان گذاشت. زومبا از حرکات رقص و ایروبیک تشکیل شده است.

تقلیل یافته و تعامل با او به‌منزله شیئی جنسی از سوی اجتماع مردانه از طریق نگاه، کلام، تماس‌های بدنی، روابط عاطفی، معاشرت‌های اجتماعی و روابط جنسی شکل گرفته است. درواقع، چگونه زن به موضوعی جنسی تبدیل شده است؟ علاوه بر آن، فراوانی زنانی که از نارضایتی زناشویی رنج می‌برند یا با طلاق عاطفی روبه‌رو هستند و با توجه به اینکه امروزه بدن زنان مرکز توجه آن‌ها قرار گرفته است و به گونه‌های مختلف جلوه‌گری می‌کند و در راستای نتایج مطالعات اکتشافی این تحقیق، پژوهش‌گران بر آن شدند به مفهوم تصعید^۱ بیشتر بیندیشند و به فهم این نکته دست یابند که چگونه این مکان مأمونی می‌شود برای بروز و بازنمایی تظاهرات لیبیدوئی^۲ زنان ورزشکار شهر اصفهان؟

ملاحظات نظری

از نظر باختین، یکی از راه‌های ضد ایدئولوژیک کردن جامعه، کارناوال‌هاست. کارناوال‌ها محصول شکاف فرهنگ رسمی و فرهنگ غیررسمی و فقدان فضای باز گفتمانی میان آن‌هاست و این کارناوال‌ها عموماً حرکت‌های اعتراضی و انتقادی خود را از لایه‌های پنهان به لایه‌های آشکار و روشن جامعه می‌کشند و به تقابل و تعامل گفتمانی می‌پردازد. این رویداد نمادین آنومیک گروه‌های پنهان و غیررسمی برای قدرت‌نمایی با هدف ایجاد ساختار جدید دنبال می‌شود. همان‌طور که ذکر شد، از نظر باختین^۳ یکی از بهترین راه‌های ضدایدئولوژیک کردن جامعه همین نمایش‌های کارناوالی با محورهای القای رویدادهای خصوصاً عاطفی، زیست‌محیطی، هنری، ورزشی و... است. درواقع، رویداد کارناوالی را باید نوعی رویداد آیینی آنومیک دانست. ژورژ بالاندیه^۴ معتقد است ظهور آیین‌های آنومیک به‌واقع تنفس گروه‌های مغلوبی است که از این راه به سازگاری خود با نظام اجتماعی ادامه می‌دهند [۲۲]. ژان بودریار^۵ در کتاب *جامعه مصرفی/اسطوره‌ها و ساختارها* به مقایسه بردگی تن و زن در اعصار استبدادی گذشته با رهایی و آزادی آن‌ها در عصر دموکراتیک فعلی پرداخته و نوشته است:

همان‌گونه که زن و بدن در بردگی شریک بودند، رهایی زن و رهایی بدن نیز به لحاظ منطقی و تاریخی به یکدیگر وابسته‌اند. این رهایی امروزه به اوج خود رسیده، زیرا زن که قبلاً به لحاظ سکس به خدمت گرفته شده بود، امروزه به لحاظ سکس آزاد می‌شود. اما زن هرچه بیشتر آزاد شود، بیش‌تر با بدن خود اشتباه گرفته می‌شود؛ یعنی

۱. sublimation: گاهی برای ارضای خواسته‌هایی ناکام‌مانده، می‌توان از راه‌های اجتماع‌پسند و معقول استفاده کرد. جبران مثبت محرومیت‌های شدید زندگی به کمک اعمال اجتماع‌پسند را تصعید می‌نامند.
۲. libido: رایج‌ترین کاربرد واژه لیبیدو، شهوت، یا زیست‌مایه در معنای شور و هوس جنسی است. لیبیدو (زیست‌مایه) از نظر زیگموند فروید عاملی غریزی است و پر از انرژی در درون نهاد که تمایل به بقا و فاعلیت دارد.

3. Mikhail Bakhtin
4. Georges Balandier
5. Jean Baudrillard

زنی که به ظاهر آزاد شده با بدنی که به ظاهر آزاد شده است اشتباه گرفته می‌شود. می‌توان از زن مانند بدن و مانند جوان و کلیه طبقاتی سخن گفت که رهایی‌شان مضمون تکراری جامعه دموکراتیک مدرن است [۶، ص ۲۱۴].

همچنین، رسانه بودریاری به جای فراهم‌سازی امکان تماس و مشاهده بیشتر جهان خارجی، انسان را به جهان حادث‌های واقعی^۱ می‌کشاند و از جهان امور واقعی دور می‌کند. در این زمینه، به اعتقاد فوکو سرکوب جنسی که از قرن هفدهم آغاز شده است باری از گفتمان تحریک را بر دوش می‌کشد؛ بدین معنا که در پس سرکوب، تحریک نهفته است. به زعم وی، شیوه جدید کنترل در جامعه مصرفی معاصر به گونه‌ای است که کنترل بر بدن از طریق سرکوب اعمال نمی‌شود، بلکه کنترل از طریق تحریک انجام می‌شود: لاغر باش، خوش‌ظاهر باش، برزّه باش [فوکو به نقل از ۱۲]. درحقیقت، فوکو به این امر اشاره می‌کند که گفتمان حاکم در هر دوره‌ای تعیین می‌کند که میل جنسی در خفا باقی بماند یا آشکارا در جریان باشد. همچنین، به باور کانل^۲ در رویکردی که مفاهیم زنانگی و مردانگی بر مبنای جسم شکل می‌گیرند و بدن به‌منزله نقطه انقطاعی برای تشخیص زن و مرد از یکدیگر محسوب می‌شود، بدن باید هرچه بیشتر و بیشتر به سمت ایده‌آل‌های زنانگی و مردانگی حرکت کند. در این رویکرد، جنسیت پروسه‌ای تمام‌شده نیست؛ بلکه بدن باید در طی فرایندی به سمت بدن کامل و واقعی سیر کند. نزد فوکو، بازنمایی جنسی نیز یک اسطوره است و از رابطه جنسی تا بدل شدن ابژه و تولید بی‌پایان گفتمان دانش روان‌کاوی، جمعیت‌شناسی، زیست‌شناسی و علوم پزشکی پیش می‌رود که هدفشان کنترل و هنجار کردن سکسوالیته است [۴، ص ۱۵۰].

کانل (۱۹۹۵) وظیفه اصلی جامعه‌شناسی بدن را رسیدن به رابطه بدن و مردانگی و زنانگی می‌داند. بدن واسطه‌ای است در دست نهادها یا عوامل اجتماعی که باید برحسب معانی و پتانسیل‌های مختلف و زمینه یا متنی که در آن قرار دارد، انطباق یابد. به عبارت دیگر، هیچ‌گاه نمی‌توان درباره یک بدن گفت که به موقعیت نهایی و مستحکم خود رسیده است. بدن تحت جریانی همیشگی از دستورات و فرمان‌ها ناچار به هماهنگی است؛ هماهنگی نه‌تنها در حرکات و رفتار که در شکل، اندازه و حتی جنس (ورزیدگی عضلات و ...) در این رویکرد، گویی مردانگی یا زنانگی مفاهیمی ایده‌آل‌اند که برای نزدیک شدن به آن‌ها باید تلاش کرد. کلیشه‌های جنسیتی که از زن و مرد در رسانه‌ها ارائه می‌شود، اغلب بدن‌ها را هدف خود قرار می‌دهند. زنان و مردانی که در رسانه‌ها ارائه می‌شوند، افرادی هستند با بدن‌های خاص. مردان بلندتر، ورزیده و عضلانی‌اند. ایشان اغلب جوان‌اند و زیبایی و نشاط خود را مدیون مصرف کالاهای بهداشتی و پزشکی معرفی می‌کنند. زنانی که کالاهای تجاری را تبلیغ می‌کنند، اغلب لاغراند، ظریف، با پوست‌های شاداب‌اند. آن‌ها اغلب به‌عنوان افرادی شاد و موفق شناسانده می‌شوند [۹].

۱. reality hyper: حاد واقعیت امری به غایت شبیه امر واقعی، بلکه عین امر واقعی و تسخیرکننده جایگاه آن است؛ به‌طوری‌که حاد واقعیت غیاب و نبود امر واقعی را پنهان می‌کند.

حکیم با طرح مفهوم جدید «سرمایه جنسی» و بسط آن در همه شئون اجتماعی از نهاد خانواده تا قدرت، زاویه دید تازه‌ای در بررسی نقش مؤلفه‌های جنسی در جامعه امروز غربی بیان می‌کند. وی با رویکرد پست‌مدرنیستی بر تفاوت‌ها تأکید دارد و معتقد است بین زن و مرد از نظر جنسی و انگیزه‌های جنسی تفاوت وجود دارد. او هرچند تفاوت این دو جنس را به معنای عام در نظر نگرفته و تفاوت‌های فیزیولوژیک و روان‌شناختی زن و مرد را مورد بحث قرار نداده است، به تفاوت‌ها و جنبه‌های ظاهری زن و مرد اشاره کرده است. عنوان لاتین کتاب به‌خوبی این مسئله را نشان می‌دهد، زیرا حکیم از کلمه «سکس» استفاده نکرده و از کلمه «اروتیک»، یعنی شهوت جنسی، بهره برده است. نگارنده در تعریف سرمایه جنسی معتقد است:

سرمایه جنسی موضوعاتی نظیر زیبایی، جذابیت جنسی، سرزندگی، ذکاوت، خوش‌پوشی، دل‌ربایی، مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های جنسی را دربر می‌گیرد. سرمایه جنسی آمیزه‌ای از جذابیت‌های ظاهری و اجتماعی است. مسائل جنسی بخشی از این سرمایه است... [۱۱].

به‌طور کلی، محور نتیجه تحقیقات انجام‌شده در داخل و خارج کشور، در حیطه بازتعریف زنان از زیبایی در چارچوب ادبیات نظری بر ساخت‌گرایی (نظریه‌های پست‌مدرن) قرار می‌گیرد که بیانگر موضوع جنسی‌بودن زنان است. در جدول ۱، برخی از این یافته‌ها بیان شده است.

جدول ۱. چکیده یافته‌های پژوهش‌های مربوط به دلالت‌های زیست‌جنسی

نام محقق	نتیجه تحقیق
مهدوی و عباسی اسفجیر (۱۳۸۷)	اولویت مقاصد جنسی در مدیریت بدن زنان حوزه عمومی جامعه (از جمله گفتمان مردانه) مرجع مهمی در شکل‌دهی، فهم، تفسیر و بازنمایی بدن
محمدسعید ذکائی (۱۳۸۶)	بررسی غلبه نگاه جنسی و غیرجنسی با روش تحلیل محتوا و تأیید اولویت نگاه جنسی به زنان
شریعتی مزینانی و مدرس صادقی (۱۳۹۰)	داشتن مواظبت بدنی بالاتر از متوسط در مورد بدن در تئوری ابژه‌سازی پاسخ‌گویان
میثم حدادی (۱۳۹۳)	بازنمایی ابزاری‌تر و شیء‌گونه‌تر تصویر زن در تبلیغات در طول سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۸۴
اکرم امینی (۱۳۸۹)	نقش برجسته‌تر الگوهای ویژه جنسی
گروث و دیگران (۲۰۰۹)	این‌گونه سالن‌ها عرصه‌ای است برای به چالش کشیدن نقش‌های جنسیتی.
یوهانسون به نقل از ذکائی (۱۳۸۶)	رابطه مثبت نحوه نگرش به نقش جنسیت و رضایت از بدن با عزت نفس
رادولنون (۱۹۹۴)	الگوی بدنی کشیده، لاغر و ترکیه‌ای را از اولین سال‌های عمر به کودکان
ورهیس (۱۳۸۸)	ما تحمیل می‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی انجام یافت. در رویکرد کیفی، برخلاف رویکرد اثباتی، انسان کنش‌گری خلاق و معنا ساز است. پس واقعیات به دست او ایجاد می‌شوند و پژوهش‌گر از طریق تعامل با موضوع و عاملان درگیر به بررسی اهداف خود می‌پردازد. در این زمینه، این پژوهش می‌کوشد با استفاده از رویکردی تفسیرگرایانه به بررسی زیست‌جنسی زنان بپردازد. میدان پژوهش باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی شهر اصفهان است. از آنجا که پژوهش‌گران مدتی طولانی درگیر این موضوع بودند، دریافتند باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی مکانی مناسب برای این پژوهش‌اند. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری پژوهش‌های کیفی، یعنی هدف‌مند^۱، نظری^۲ و گلوله‌برفی^۳ است. بدین منظور، در ابتدا با استفاده از نمونه‌گیری نظری با چند تن از مربیان ورزشی و ورزشکاران در باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی به منظور دستیابی به هدف مورد نظر مصاحبه شد. در ادامه نیز، با استفاده از روش گلوله‌برفی با افراد مناسب دیگری که نمایای جامعه هدف بودند مصاحبه شد. روند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه یافت که با ادامه مصاحبه اطلاعات جدیدی به اطلاعات قبلی اضافه نشود که در واقع همان رسیدن به اشباع نظری است. باتوجه به موارد مطرح‌شده طی سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵، یعنی در بازه زمانی هجده‌ماهه، با ۲۱ نفر از ورزشکاران مصاحبه شد. هر مصاحبه به‌طور تقریبی ۳۰ تا ۴۰ دقیقه به طول انجامید. همه مصاحبه‌ها ضبط و سپس برای کدگذاری روی کاغذ نوشته شد. علاوه بر آن، لازم بود پژوهش‌گران این تحقیق برای شناخت فضای باشگاه‌ها و کنش زنان ورزشکار به مشاهده مشارکتی نیز اقدام کنند. مشخصات کلی و ویژگی‌های زمینه‌ای افراد مصاحبه‌شده عبارت است از ۲۱ ورزشکار زن (۶ نفر مجرد و ۱۵ نفر متأهل) شهر اصفهان در رده سنی ۲۴ تا ۵۰ سال با تحصیلات متفاوت از دیپلم تا دکتری.

جدول ۲. ویژگی‌های زمینه‌ای و مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان تحقیق

ردیف	نام	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	فعالیت ورزشی	سابقه ورزشی
۱	فهیمه	۵۰	دیپلم	متأهل	ماساژ ورزشی، ایروبیک، شنا، بدن‌سازی، پیلاتس	۲۰ سال
					و ...	

1. purposive sampling
2. theoretical sampling
3. snowball sampling

ادامهٔ جدول ۲. ویژگی‌های زمینه‌ای و مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان تحقیق

۲	زیبا	۲۷	کارشناسی ارشد	متأهل	ماساژ ورزشی، ایروبیک، بدن‌سازی	۸ سال
۳	مبینا	۲۹	دیپلم	متأهل	ماساژ ورزشی، ایروبیک،	۵ سال
۴	ماندانا	۲۴	کارشناسی ارشد	مجرد	ماساژ ورزشی، ایروبیک، شنا، بدن‌سازی، پیلاتس	۸ سال
۵	شیوا	۳۰	کارشناسی ارشد	مجرد	ماساژ ورزشی، ایروبیک، شنا، بدن‌سازی	۱۲ سال
۶	مهسا	۳۵	کارشناسی	متأهل	ایروبیک، ماساژ ورزشی، زومبا، پیلاتس، بدن‌سازی	۱۲ سال
۷	عالیه	۴۹	دیپلم	متأهل	ایروبیک، بدن‌سازی	۱۲ سال
۸	عسل	۴۰	دکتری	متأهل	ایروبیک، بدن‌سازی، زومبا	۱۲ سال
۹	رز	۴۰	کارشناسی	متأهل	ماساژ ورزشی، ایروبیک	۸ سال
۱۰	شیمیا	۳۳	کارشناسی	متأهل	ایروبیک، بدن‌سازی	۸ سال
۱۱	آذر	۴۰	دیپلم	متأهل	ایروبیک، بدن‌سازی، شنا	۵ سال
۱۲	مینا	۲۶	کارشناسی	مجرد	ایروبیک، بدن‌سازی، شنا	۶ سال
۱۳	نوشین	۴۹	فوق دیپلم	متأهل	ماساژ ورزشی، ایروبیک	۷ سال
۱۴	نرگس	۲۹	کارشناسی	مجرد	ایروبیک، بدن‌سازی، شنا	۷ سال
۱۵	غزاله	۳۰	کارشناسی	متأهل	ماساژ ورزشی، ایروبیک، بدن‌سازی	۵ سال
۱۶	بهار	۳۰	کارشناسی	مجرد	شنا، ایروبیک، بدن‌سازی	۳ سال
۱۷	سحر	۳۲	کارشناسی	متأهل	شنا، ایروبیک، بدن‌سازی	۵ سال
۱۸	ترانه	۳۳	دیپلم	متأهل	شنا، ایروبیک، بدن‌سازی	۷ سال
۱۹	هانا	۳۰	کارشناسی ارشد	مجرد	ایروبیک، بدن‌سازی، شنا	۳ سال
۲۰	یکتا	۳۲	کارشناسی ارشد	متأهل	ایروبیک، بدن‌سازی	۶ سال
۲۱	نسیم	۵۰	دکتری	متأهل	ایروبیک، بدن‌سازی، شنا، زومبا، پیلاتس	۸ سال

روش تجزیه و تحلیل استفاده شده روش نظریه داده بنیاد^۱ است. با توجه به اینکه دانش تخصصی اندکی در رابطه با این موضوع وجود دارد، از این روش استفاده شد. نظریه زمینه‌ای (داده بنیاد) نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند. از نظر آدو کل^۲ (۲۰۰۷) نظریه داده بنیادی که در سال ۱۹۹۰ از سوی استراوس و کوربین ارائه شد، با دیدگاه خرد جامعه‌شناسانه‌ای در ارتباط با پدیده پیوند دارد که بر نقش کنش انسانی و عاملیت در زندگی اجتماعی تأکید می‌کند [۲۷]. کاربرد این نظریه در پژوهش حاضر شامل چندین مرحله است: در مرحله اول، پژوهش‌گران به تعریف سؤال پژوهش پرداختند و سپس مروری بر متون تخصصی و تحقیقات قبلی انجام شد. مرحله دوم مجموعه مقدماتی برای ورود به میدان پژوهش بود؛ یعنی انتخاب میدان پژوهش (باشگاه‌های ورزشی) و نحوه ورود به آن، نمونه‌گیری، نمونه‌گیری نظری و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات و... مرحله بعدی، ورود به میدان پژوهش است. در این مرحله، پژوهش‌گران به جمع‌آوری داده‌های تجربی از زنان ورزشکار پرداختند و مصاحبه‌ها تا جایی پیش رفت که دیگر اطلاعات جدیدی حاصل نشد؛ درعین حال، تحلیل اطلاعات نیز آغاز شد. محققان در این پژوهش برای تحلیل اطلاعات از چندین گام اساسی سود جستند. نخستین گام آن تشکیل مفاهیم است، یعنی مرحله کدگذاری باز^۳؛ گام دوم پردازش مفاهیم، یعنی کدگذاری محوری^۴؛ و گام بعدی تلفیق مفاهیم و پیدایش هسته مرکزی است، یعنی کدگذاری گزینشی^۵. در همه مراحل، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در فرایندی رفت و برگشتی در داخل میدان و خارج از آن انجام شد و از طریق مقایسه مداوم نکات کلیدی، الگوها و مضامین کشف شد. پس از فرایند تحلیل و مقایسه مداوم، محقق براساس مقوله‌های ظهور یافته و مختصات آن به ساخت نظریه اقدام می‌کند [به نقل از ۵، ص ۱۸۸].

اعتباریابی^۶

برای حصول اطمینان از اعتبار پژوهش این اقدامات انجام شد؛ تطبیق از سوی اعضا: یعنی افراد مصاحبه شده فرایند تحلیل مقوله‌ها و گزارش نهایی را مرور و دیدگاه‌های خود را بیان کردند؛ بررسی همکار: دو نفر از دانشجویان دکتری و استادان جامعه‌شناسی یافته‌های پژوهش را بررسی کردند؛ مشارکتی بودن پژوهش: به‌طور هم‌زمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر

-
1. grounded theory
 2. Udo Celle
 3. open coding
 4. axial coding
 5. selective coding
 6. validation

داده‌ها کمک گرفته شد. علاوه بر آن با توجه به موضوع پژوهش از چند تکنیک مشاهده، مشاهده مشارکتی، مصاحبه نیم‌ساخت‌یافته و ثبت مشاهدات استفاده شد. به دام انداختن و فراخواندن به تفکر درباره موضوع، یادداشت منظم روند کار و داده‌ها، تحلیل موارد متضاد، صرف وقت و زمان کافی در میدان، توصیف دقیق و جزئی در ارائه نتایج و گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها نیز در این پژوهش استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

به‌طور کلی در کدگذاری باز قصد بر آن است تا داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم درآیند؛ یعنی ابتدا داده‌ها از هم مجزا (تقطیع) می‌شوند، عبارت‌ها (کلمات منفرد یا مجموعه‌ای کوچک از چند کلمه) براساس واحدهای معنایی دسته‌بندی می‌شوند تا تعلیقات و مفاهیم (کدها) به آن‌ها ضمیمه شوند [۱۷، ص ۳۳۰]. در این پژوهش، پس از اینکه هر مصاحبه‌چندین بار خوانده شد، عبارت‌هایی که هم‌جهت با موضوع و سؤالات بررسی شده بودند و به‌خوبی این موضوع را پوشش دادند، گزینش و تقطیع و تفکیک شدند. این گام کدگذاری اولیه در مرحله کدگذاری باز است. به دنبال این گام، کدگذاری متمرکز انجام گرفت؛ یعنی پس از تفکیک، براساس شباهت و تفاوت به عبارت‌ها برچسب مفهومی جامع و مانع داده شد. پس از آن، به تقلیل مفاهیم براساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها پرداخته شد. در این مرحله، مفاهیم متمرکز بر پایه ویژگی‌ها و ابعاد در مقوله‌ای انتزاعی‌تر قرار می‌گیرند. این مرحله کدگذاری محوری است. آدو کل (۲۰۰۷) معتقد است استراوس در سال ۱۹۸۷ واژه جدید پارادایم کدگذاری را ابداع کرد که از آن به‌منزله ساختار دادن به داده‌ها و توضیح دادن روابط بین مقولات استفاده کرد. درنهایت، در پایان این مرحله، به ترسیم الگو یا مدل پارادایمی اقدام شد. مدل پارادایمی در قالب شرایط، استراتژی‌ها و پیامدها ارائه شده است.

شرایط علی: شرایط علی آن‌دسته رویدادها و وقایع‌اند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند [۲، ص ۱۵۲]. در این پژوهش، شرایط علی در قالب مقوله محوری علایق جنسی تغییر یافته ارائه شد.

علایق جنسی تغییر یافته

قبل از مدرنیته، دیدگاه به بدن دیدگاهی سنتی و مبنی بر بی‌توجهی و تقبیح آن به سبب گناه آغازین بود. علاوه بر آن، روابط جنسی عمدتاً کارکرد تولید مثل و ابقای نسل داشت. اما در دوران مدرنیته و پس از آن، به دلیل چرخش سنت‌ها و ارزش‌ها، دیدگاه به بدن تغییر یافت، پس بدن مورد توجه قرار گرفت. در این زمان، تولیدمثل تنها کارکرد روابط جنسی نیست، بلکه اصل لذت و لذت‌گرایی به میان آمد و به سبب آن توجه افراطی به بدن. بنابراین، لذت جنسی

در مرکز توجه قرار گرفت و شور و شوق جنسی به راه افتاد. افراد به بدن خود و دیگری به‌منزله منبعی برای کسب لذت نگریستند. به بدن به‌منزله کالایی جنسی نگریسته شد که وارد بازار مد و زیبایی شده است. از آنجا که انسان امروز، به‌طور عام، و افراد مصاحبه‌شده این پژوهش دائماً در حال بازاندیشی در مورد خود، بدن‌های خود و علایق جنسی هستند، شکی در این نیست که علایق جنسی دست‌خوش تغییر شده‌اند. در این پژوهش نیز، با کشف چهار مفهوم متمرکز جلوه‌گری جنسی، تغییر نگرش مردان از تصور زن مطلوب، نارضایتی زناشویی و تمایلات همجنس‌گرایی به مقوله عمده علایق جنسی تغییر یافته در قالب شرایط علی دست یافته شد.

جلوه‌گری جنسی و تناسب اندام

با تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده و پس از مراحل کدگذاری این نتیجه حاصل شد که جلوه‌گری جنسی و تناسب اندام یکی از دلایل مهم حضور زنان در باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی است. این مقوله محوری به‌کرات از سوی مصاحبه‌شوندگان به‌منزله عاملی جذب‌شونده به سمت باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی عنوان شد. در این پژوهش، جلوه‌گری جنسی عمدتاً زیبایی‌های ظاهری و توان‌مندی‌های جنسی زنان را شامل می‌شود. جلوه‌گری جنسی و تناسب اندام مؤلفه‌های مختلفی دارد که با تحلیل اطلاعات مصاحبه‌ای حاصل شد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از جذابیت جنسی، کسب شغل، مقایسه و پذیرش اجتماعی، نمایش سرمایه‌های بدنی و اقتصادی و پاسخ‌گویی به میل جنسی. در ادامه، با ارائه مختصری از مصاحبه‌ها به مفاهیم برآمده و تشکیل‌دهنده مؤلفه‌های مذکور پرداخته می‌شود.

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به مؤلفه جذابیت جنسی اشاره کردند؛ از نظر آن‌ها جذابیت جنسی عاملی است درخور توجه از یک طرف به منظور جذب جنس مخالف و ازدواج و از طرف دیگر برای دوام زندگی زناشویی. بنابراین، از نظر افراد مصاحبه‌شده، زندگی در دوران مدرن نیاز به توجه به تن و مدیریت بدن را می‌طلبد. از نظر آن‌ها گرچه در زمان‌های گذشته ازدواج و تا حدی پایداری آن بیشتر اقتضائاتی سنتی داشت و بر شرایط اجتماعی، اقتصادی، اعتقادی و... زنان مبتنی بود، اما در دوران کنونی جاذبه‌های جنسی و تناسب اندام اهمیت زیادی یافته‌اند. هانا می‌گوید:

من مجردم و قصد ازدواج دارم. برام مهمه که اندام مناسب داشته باشم و جذابیت و زیبایی اندامم رو بیشتر کنم، چون می‌خوام کیس‌های خوبی داشته باشم برای ازدواج و می‌خوام در هنگام ازدواج و رابطه با جنس مخالف به مشکلی برنخورم. آخه الان جذابیت اندام خیلی مهم شده و از نظرم حتی زنانی که متأهل هستند برای جلب توجه شوهرانشون به باشگاه می‌آن.

شیوا می‌گوید:

خیلی از خانم‌های متأهل و حتی دخترهای جوون صرفاً برای اینکه جذابیت بدنشون زیاد بشه می‌آن باشگاه و صرفاً ورزش‌هایی برای اندام‌های خاصی از بدنشون رو انجام می‌دن.

مؤلفه مهم دیگر در جلوه‌گری جنسی، به‌زعم مصاحبه‌شوندگان، مقایسه، پذیرش، مقبولیت اجتماعی و برقراری رابطه اجتماعی با دیگران است. آن‌ها بر این عقیده بودند که داشتن اندامی مناسب باعث برقراری رابطه اجتماعی بهتر با اطرافیان، همکاران و... می‌شود؛ رابطه‌ای که افراد در آن از اضطراب‌های وابسته به بدن و جسم خود فارغ باشند یا حتی به داشتن بدنی مورد پسند و زیبا مباحثات کنند. بنابراین، می‌توان گفت از جمله دلایل توجه مفرط زنان به تن و بدن خود مورد پذیرش و تأیید قرارگرفتن در نظر دیگران است. ماندانا می‌گوید:

وقتی که اضافه‌وزن داشتم اصلاً از خونه بیرون نمی‌اومدم. هیچ‌جا نمی‌رفتم غیر از مدرسه و بعد دانشگاه و روابطم خیلی کم بود. ولی با کاهش وزنم (و متناسب‌شدن اندامم) و اینکه همه بهم می‌گن چقدر هیکلت خوب شده اجتماعی‌تر شدم.

زیبا می‌گوید:

دوره دبیرستان خیلی چاق بودم، ولی برام مهم نبود تا جایی که تا ترم یک دانشگاه خیلی چاق‌تر هم شده بودم، اما از ترم بعد که بیشتر توی دانشگاه بودم و توی جامعه بیشتر رفت‌وآمد داشتم، شروع کردم به رژیم‌گرفتن و ورزش کردن. بعد هم که ازدواج کردم، دیدم که زشته نسبت به بقیه اعضای خانواده شوهرم چاق‌ترم... آخه اون‌ها خیلی خوش‌تیپ بودن.

از آنجا که فضای کنونی محیط کار تا حدودی جذب‌کننده افرادی است که زیبایی و جذابیت‌های ظاهری داشته باشند، تعدادی از دختران و زنان جوان برای یافتن شغل و پذیرفته‌شدن در محیط‌های شغلی به باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی مراجعه و برای داشتن بدنی جذاب و زیبا تلاش می‌کنند. بنابراین، یافتن شغل یکی دیگر از مؤلفه‌های جلوه‌گری جنسی است. شیوا می‌گوید:

الان تقاضا در بازار کار می‌گه کارمند خوش‌تیپ، خوش‌صورت، خوشگل، خوش‌صحبت و توی محیط‌های کاری و... هر فردی که بیشتر به خودش برسه، زودتر کارش راه می‌افته...

از فحوای کلام مصاحبه‌شوندگان این نکته حاصل شد که بین افراد مصاحبه‌شده رفاه، فراغت و تفریح برجسته است و به دلیل فراغت، مهمانی‌های متنوع و فراوان و مسافرت‌های خارجی دغدغه بیشتری به بدن و نمودهای جنسی آن دارند و از طرف دیگر گاهی این افراد

محیط‌های ورزشی را به مکانی برای نمایش سرمایه‌های بدنی و اقتصادی خود تبدیل می‌کنند؛ مثلاً، به معرض نمایش گذاشتن اندام متناسب با لباس‌های خاص و گران‌قیمت یا برهنگی قسمت‌هایی از بدن که تحت جراحی و دیگر نمودهای زیبایی قرار گرفته‌اند. بنابراین، در دورانی که هویت افراد به وسیله نشانه‌ها و مصرف مشخص می‌شود، بدن در کنار وسایل گران‌قیمت، زیورآلات و... به شیئی مصرفی تبدیل شده است؛ تاجایی که حتی می‌توان گفت به زیباترین شیء مصرفی مبدل شده است. بودریار در کتاب *جامعه مصرفی* خود می‌گوید:

آنچه می‌خواهیم ثابت کنیم آن است که ساختارهای کنونی تولید/ مصرف نزد فرد کنش مضاعفی را القا می‌کنند که به نوعی به بازنمایی دوگانه اما بسیار منسجم بدن او بستگی دارد. بازنمایی بدن به مثابه سرمایه و بازنمایی بدن به مثابه بت‌واره یا شیء مصرفی. در هر دو لازم است بدن مورد انکار یا غفلت قرار نگیرد، بلکه به شکلی عامدانه بر روی آن سرمایه‌گذاری در دو مفهوم اقتصادی و روان‌شناختی کلمه نیز صورت بگیرد [۶، ص ۱۹۹].

زیبا می‌گوید:

من وقتی ازدواج کردم، بعد یه مدت خیلی چاق شده بودم و از اونجایی که دائم از طرف خانواده شوهرم مهمونی‌های فراوان دعوت می‌شدیم و اون‌ها خیلی اهل تیپ‌زدن بودن، من خجالت می‌کشیدم که مثل بقیه عروس‌های فامیل خوش تیپ نیستم. بنابراین به شدت افتادم توی مسیر لاغر کردن و رسیدن به بدنم و ماساژ و...

مبینا می‌گوید:

من مشکل خاصی ندارم که برای اون می‌آم ورزش. فقط دوست دارم پول خرج کنم (خنده زیاد). دوست ندارم به عنوان یه زن فقط توی خونه بمونم. دوست دارم برای خودم همه چیزهایی که دوست دارم رو انجام بدم. حالا ورزش یکی از اون‌هاست. من تا حالا هر هدفی داشتم، بهش رسیدم. همین که آدم احساس می‌کنه به بدنش اهمیت می‌ده این خوبه و باعث می‌شه پول خرج کنه.

مهسا می‌گوید:

من ۳۰ سالم که بود، پرسینگ ناف کردم و دوست داشتم که توی باشگاه همه ببینن. برای همین همش نیم‌تنه می‌پوشیدم و بعضی‌ها رو هم می‌دیدم که تتو کردن و جوری لباس می‌پوشیدن که پیدا باشه.

عنصر اثرگذار دیگر در جلوه‌گری جنسی و حضور در باشگاه‌های ورزشی، پاسخ‌گویی به میل جنسی است. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که به منظور فرم‌دهی مناسب به بدن برای برقراری رابطه مناسب با همسر یا جنس مخالف به ورزشگاه می‌آیند. نکته مهم دیگر اینکه

گاهی میل افراطی و سرکش‌شده باعث می‌شود که زنان برای تعدیل و کنترل این نیاز اضافی به ورزش کردن بپردازند و در مقابل در مواقعی برای فرونشاندن این میل مازاد به ورزش کردن در باشگاه پناه می‌برند. به‌طوکل، می‌توان گفت گرچه کار با دستگاه‌های ورزشی فی‌نفسه تأثیر مستقیمی بر بیداری یا خفتگی میل جنسی ندارد، یقیناً می‌تواند توجه فرد را به سمت مسائلی از این دست رهنمون کند.

آذر می‌گوید:

من از لحاظ جنسی مشکل داشتم. میل جنسی شدید داشتم. ولی شوهرم بیماری داره. قند داشت و از اوایل ازدواج تا حالا رابطه‌ما خیلی کم بوده. قند بهش اجازه نمی‌ده. من خیلی اذیت شدم. دوره‌های طولانی بیماری عصبی و افسردگی گرفتم؛ اما الان با ورزش میل جنسی‌م داره تعدیل می‌شه و کار با دستگاه میل جنسی رو کم می‌کنه و اون رو خفه می‌کنه. ورزش‌های هوازی مثل ایروبیک، زومبا، شنا و... میل جنسی رو بیدار می‌کنه. شنا این میل رو زیاد می‌کنه. من شنا که رفتم خیلی اذیت شدم. دیگه نرفتم شنا.

تغییر نگرش مردان از تصور زن مطلوب

تغییر نگرش مردان از تصور زن مطلوب یکی دیگر از مقوله‌های مهمی است که در همه‌ی مصاحبه‌ها کشف شد. همه‌ی افراد مصاحبه‌شده برآن بودند که شرایط دوران حال با گذشته متفاوت است و تصور مردان از زنان مبنی بر اینکه زن صرفاً وسیله‌ای است برای تولیدمثل و ابقای نسل جای خود را به مسائل پیچیده‌تری داده است. برای توضیح بیشتر باید گفت در جهان امروزی زنان و بدن آن‌ها باید در حدکمال زیبا، جذاب و مطابق با استانداردهای زیبایی باشد. امروزه، نداشتن اندام ایده‌ال و جذاب زندگی زناشویی را به مخاطره می‌اندازد و زنان دائماً در معرض بهانه‌جویی‌های جنسی و روی‌گردانی مردان واقع می‌شوند. در این پژوهش، آنچه مبرز شد این است که تغییر ذائقه، تنوع‌طلبی مردان و تقاضای آن‌ها از زنان مبنی بر داشتن اندامی متناسب و مطابق با استانداردهای روز عاملی مهم در هجوم زنان و دختران به باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی است.

مهسا می‌گوید:

شوهرم فوق‌العاده حساسه به بدن و همیشه به من می‌گه اگه به خودت نمی‌رسیدی می‌رفتم سراغ بقیه و با شناختی که من ازش دارم، واقعاً هم می‌ره سراغ بقیه اگه من به خودم نرسم. چون خیلی به بدن حساسه به بدن خودش هم حساسه. وقتی دید مردها را بدونی، به خودت حساس می‌شی.

شیوا می گوید:

زن‌ها تا کسی از شون نخواد این کارها (جراحی و...) رو انجام نمی‌دن. مردها از شون می‌خوان. این همه ورزش و پروتز و... همش به خاطر تقاضای آقایونه. توی جامعه تقاضا وجود داره که خانوم‌ها سراغ این فعالیت‌ها می‌رن. وقتی خانوم می‌بینه همه‌ش توی مهمونی‌ها حواسش به سمت خانوم‌های دیگه‌س یا مثلاً خانمی که برنز کرده خوب درگیر این کارها می‌شه. بحث تناسب اندام خواسته آقایونه. من خودم ورزشکارم و مربی. آقایون زیادی همیشه بهم می‌گن خانوم ما رو هم ببر ورزش.

نارضایتی زناشویی

مفهوم اساسی در تجزیه و تحلیل رفتار خانوادگی، بیشتر همکاری است تا انطباق، سازش و توافق. اسپری معتقد است همکاری فرایندی است که عبارت است از حل یک مسئله و مشکل درون خانواده که ادامه روابط را با وجود تفاوت‌ها و نارضایتی‌های عمیق ممکن می‌کند. همکاری نه رفتارهای مشابه را ایجاب می‌کند و نه ارزش‌های مشترک را؛ درحقیقت، همکاری مجموعه‌ای است از راه و سمت‌هایی که برای زن و مرد رضایت زناشویی دو طرف را قابل فهم می‌کند [۲۱]. در این زمینه، نارضایتی زناشویی عامل مهمی در گرایش زنان به ورزش‌های تناسب اندام و فعالیت‌های ورزشی شناخته شد.

به‌دنبال تحلیل مصاحبه‌ها و بنا بر آرای افراد مصاحبه‌شده، زمانی که بین زن و مرد نارضایتی و اختلاف وجود دارد، احتمالاً یکی از گزینه‌های تسکین‌دهنده رفتن به باشگاه‌های ورزشی است. مراجعه به باشگاه‌ها و انجام فعالیت‌های ورزشی گاهی به‌منزلهٔ مأمونی است برای تخلیهٔ زنان از اختلاف‌ها و کشمکش‌ها و نارضایتی‌های جنسی. در مواقعی که زنان تجربهٔ موفقیت در ارتباط با همسر ندارند، حضور در باشگاه، اشتغال به فعالیت ورزشی، گفت‌وگو کردن با زنان دیگر به‌منزلهٔ عامل تخفیف‌دهندهٔ نارضایتی نگریسته می‌شود. همچنین، به‌دنبال نارضایتی و ناکامی جنسی گاهی ورزش برای ورزشکاران مذکور به‌منزلهٔ خودارضایی^۱ است. حضور، صحبت و گفت‌وگو دربارهٔ مسائل جنسی نیز خود بخشی از ارضای جنسی محسوب می‌شود، زیرا ارضای ذهنی و گاهی به‌دنبال آن کاهش تکانه‌های جنسی را به همراه دارد.

نوشین می‌گوید:

تعداد زیادی از خانوم‌ها که می‌آن ورزش یا با شوهرشون مشکل دارن یا طلاق گرفتن یا دارن طلاق می‌گیرن. انگار ورزش مرهمیه براشون یا یه راه فرار از خونه یا حالا یه جورایی میل جنسی‌شون رو تسکین می‌ده.

هم‌جنس‌خواهی

در طی تحلیل مصاحبه و به‌دنبال کاوش شرایط علی در بررسی این موضوع، مقوله هم‌جنس‌خواهی نیز کشف شد. هم‌جنس‌خواهی عبارت است از کشش یا رفتار جنسی بین اعضای یک جنس (یعنی بین مردان یا زنان). رفتار هم‌جنس‌خواهانه ممکن است موقتی باشد یا به‌صورت یک جهت‌گیری جنسی ثابت و پایدار درآید [۷، ص ۴]. تعدادی از افراد مصاحبه‌شده عنوان کردند که در باشگاه‌های ورزشی با زنانی با تمایلات هم‌جنس‌خواهی روبه‌رو شده‌اند. به عقیده آن‌ها این گروه از زنان عمدتاً برای مسائل هم‌جنس‌خواهی و لذت از هم‌جنس‌وارد باشگاه‌ها و فعالیت‌های ورزشی می‌شوند. نکته مهم دیگر اینکه این‌گونه رفتارهای هم‌جنس‌گرایی عمدتاً در فضاهایی انجام می‌گیرد که فرصت برای بروز آن مهیاست؛ مثلاً، در ورزش‌هایی شبیه شنا یا فیتنس که فرصت برای برهنگی بیشتر است یا ورزش‌های کششی که ثابت و آرام است برعکس ورزش‌های جامپ.

عسل می‌گوید:

نوع نگاه متفاوت. سنگینی نگاه پیداست و عمدتاً این تفاوت نگاه در ورزش‌های کششی هست چون اندام پیداست.

مهسا می‌گوید:

زن‌های زیادی توی باشگاه‌ها بهم پیشنهاد می‌دن. حتی به خود من با اینکه مرئی‌شون بودم. زمانی که خیلی خوش‌اندام‌تر بودم پیشنهاد داده شد. اصلاً یکی از دلایلی که باعث شد از این ورزش‌ها بزنم بیرون همین موارد بود.

گرچه این افراد نسبت به هم‌جنس خود شوق جنسی دارند، باید توجه داشت که در دین و عرف جامعه ما این‌گونه رفتارهای جنسی قبیح است و نوعی انحراف جنسی تلقی می‌شود. شاید بتوان تا حدودی با طائف همگام شد آنجا که نقل کرده است:

فشار تابوهای سیاسی، فرهنگی و دینی از یک‌طرف و فضای بازی که [شهرنشینی] از سوی دیگر برای کوییر بودن (هم‌جنس‌گرا بودن) فراهم ساخت، تضادی آشفتنی‌ناپذیر را پدید آورد [۱۵، ص ۹].

و نتیجه چیزی است که شاهد آن هستیم؛ یعنی گرایش و اشتیاق به هم‌جنس‌به‌صورت پنهانی و غیرمشروع.

شرایط زمینه‌ای یا بسترساز: در بحث از شرایط بسترساز به مفاهیمی اشاره می‌شود که زمینه را برای به‌وجود آوردن موضوع هموار می‌کند. شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی هستند که در زمان و مکان خاصی جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که

اشخاص با عمل خود به آن‌ها پاسخ دهند [۲، ص ۱۵۲]. در این پژوهش، عمده‌ترین بستری که سبب جنسی‌شدن فضای ورزشی می‌شود، مقوله محوری است با عنوان فرهنگ هوسران.

فرهنگ هوسران

با تحلیل داده‌های زمینی به فهم جالبی از جامعه دست یافته شد مبنی بر اینکه فضای جوامع امروزی علاوه بر آنکه جنسیت‌زده است، جنسی نیز شده است؛ یعنی هم‌جه‌ای از کردارهای جنسی فضای اجتماعی را احاطه کرده است. در این وضعیت، گویی گریزی از جنسی‌شدن جامعه وجود ندارد. بنابراین، شاهد فرهنگی هوسران هستیم. این کردارها به فضای باشگاه‌های ورزشی نیز سرایت کرده است. نکته درخور توجه در فرهنگ هوسران، تنوع‌طلبی است. به عبارت دیگر، تنوع‌طلبی نشانه شهوت زیاد در نظام فرهنگی است. تنوع‌طلبی، لذت و اسطوره لذت‌گرایی به‌وضوح در فرهنگ هوسران محل بروز می‌یابد و از هر روزه‌ای برای بروز خود استفاده می‌کند. در چنین وضعیتی، زنان با هدف کسب لذت و لذت‌بخشی به عروسک‌های جنسی بدل می‌شوند؛ عروسک‌هایی که به راحتی مورد بهره‌برداری جنسی مردان قرار می‌گیرند. پژوهش‌گران با استفاده از مصاحبه، مشاهده مشارکتی و تجربیات خود در این محیط‌های ورزشی به فهم این نکته نائل شدند که در چنین فرهنگی آنچه به‌وضوح مشهود است، برهنگی زنان است و جذب شدن آنان به سمت مسیرهایی که در آن فرصت برهنگی وجود دارد. علاوه بر آن، برهنگی یکی از نمودهای بارز ریخته‌شدن حیاست. از آنجا که افراد در فرهنگی شهوت‌سالار زندگی می‌کنند و تعاملات آن‌ها در بستر این نظام فرهنگی شکل می‌گیرد، ریخته‌شدن حیا و از بین رفتن قبح مسائل جنسی پیامد چنین فضایی است. در این فرهنگ، که کانون توجه لذت و هوسرانی است، زنان به دنبال مسیرهای هستند که موجبات ارضای لذت را مهیا کند و مردان نیز همواره در این فضاها به دنبال بهره‌وری جنسی‌اند. پژوهش‌گران تحقیق حاضر دریافتند محدودیت‌های اجتماعی، عدم مدیریت جنسی، رسانه و مصرف رسانه، پایگاه طبقاتی، نوع ورزش و فضای باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی در قالب مفاهیم متمرکز موجبات هوسرانی و تورم کنش‌های جنسی را فراهم می‌کنند. بنابراین، در فرهنگ هوسران، که به‌منزله مقوله محوری و عمده شناخته شد، بسترهای لازم برای جنسی‌شدن فضاهای اجتماعی‌ای مانند باشگاه‌های ورزشی ایجاد می‌شود.

نوشین می‌گوید:

با این چیزهایی که من می‌بینم و می‌شنوم شهوت‌پرستی خیلی زیاد شده و افراد هم مردان و هم زنان خیلی تنوع‌طلب شدن. خانوم یا آقا همسر دارن، ولی در کنارش معشوقه و دوست هم دارند.

مهسا می‌گوید:

فضای جنسی همه‌جا حاکمه. مثلاً مکالمات رو که می‌شنوی، توی باشگاه‌ها جنسی هست یا اینکه در مورد جک‌های جنسی یه یا فیلم و عکس‌های نامناسبه.

عالیه می‌گوید:

توی سال‌های اخیر خیلی می‌بینم که دخترها و خانوم‌ها دوست دارن لباس‌هایی بپوشن که دکلمه باشه. خودشون رو با این لباس‌ها می‌تونن ببینن اینجاست که فضا براشون آماده‌ست.

محدودیت‌های اجتماعی

همواره سطوح خرد از سطوح کلان متأثرند و کاستی‌ها و ناهنجاری‌های سطح کلان در سطح خرد به‌وضوح قابل مشاهده است. باشگاه‌های ورزشی به‌منزله یک جامعه کوچک از کنش‌گران به‌خوبی نشان‌دهنده کاستی‌ها، ناهنجاری‌ها و محدودیت‌های جامعه بزرگ‌تر است. از جمله بسترهایی که دختران جوان و زنان را در چرخه‌ای جنسی شده قرار می‌دهد محدودیت‌های اجتماعی است. محدودیت‌های بیشتر اجتماعی و فردی این قشر از جامعه سبب می‌شود آنان از هر فرصت و امکان جدیدی برای ارائه تصویری متفاوت از خود و وسیله‌ای برای دیده شدن بهره‌برند. سرکوب بدن، جنسیت سرکوب‌شده و استثمار زن، همه و همه، در جهاتی متناقض به بیشتر جنسی شدن جامعه منجر می‌شود که نمودهای متفاوت و متنوعی را شامل می‌شود. در ادامه، می‌توان به فضای سلبی اجتماعی اشاره کرد که در بعضی مواقع در حال خرده‌گیری و ایجاد شرایط محدودکننده برای افراد است. به‌زعم مصاحبه‌شوندگان، افراط و تفریط در امور اجتماعی پیامدهای خاص خود را دارد که گاهی چندان عقلانی نیست؛ مثلاً، سرکوب می‌تواند از طریق سرکوب مثبت (ورزش از طریق مکانیسم دفاعی جابه‌جایی) و منفی (خودارضایی) تعریف شود. افراد مصاحبه‌شده اشاره کردند مثلاً وقتی اجازه فضایی برای نمایش لباس داده نمی‌شود، یکی از فضاهایی که ممکن است درگیر چنین مسائلی شود باشگاه‌های ورزشی است یا موقعی که درخواست می‌شود ورزشی مانند زومبا و... متوقف بشود. همچنین زمانی که فعالیت‌هایی مانند دوچرخه‌سواری برای زنان با محدودیت مواجه است. از طرفی، باید در نظر گرفت که جامعه ما جامعه‌ای سنتی و مذهبی است و مطابق با قوانین اسلامی و عرفی پوشش و رفتار تعریف شده است، اما به زعم این افراد گاهی کدهای اخلاقی سخت‌گیرانه باعث فشار بر افراد می‌شود. بنابراین، سیاست‌گذاری غلط به فشار و فشار به سرکشی و سرکش شدن افراد منجر می‌شود.

عسل می گوید:

امر و نهی و زیادی افراط و محدودیت ایجاد کردن درست نیست. سرکوب زیاده می گن دوچرخه سواری نکن. کلاس زومبا متوقف بشه. این درست نیست چه اشکالی داره آخه اجازه بدن بره کلاس زومبا، ولی لباسش رو درست کنه. چرا شهرداری اینجا یه مزون درست حسابی نداره. چرا طراح خوب نداریم.

مینا می گوید:

فشار زیاده. این قدر فضا را برامون می بندن. چرا فضای مناسب برای تفریح نداریم. خوب حوصله مون سر می ره. چی کار کنیم. بیرون هم که می آیم این قدر بهت گیر می دن. چرا مثلاً توی اصفهان این قدر بهت گیر می دن برای تیپت با اینکه تیپت معمولیه. من تیپم معمولی هست، ولی بهم گیر می دن.

عدم مدیریت جنسی

آموزش و تربیت جنسی نادرست افراد یا عدم کفایت دانش جنسی پیامدهای زیادی را بر جامعه و افرادش تحمیل می کند. بنابراین، دومین مفهوم متمرکز مهم در بسترهای برانگیزاننده چنین موضوعی را می توان با مفهوم عدم مدیریت جنسی شرح داد.

دانش جنسی عبارت است از فهم، آگاهی و شناخت فرد نسبت به مسائل جنسی و ابعاد مختلف آن. نقش آگاهی و دانش فرد به مسائل جنسی بسیار مهم است و می تواند بر همه ارتباطات و تعاملات زندگی زوجین تأثیرگذار باشد. ساختارهای اجتماعی کننده یعنی خانواده، محیط های آموزشی و رسانه ها، نقش چشمگیری در این زمینه دارند، اما متأسفانه به علت فقدان آگاهی بخشی درست یا نبود دغدغه در این حوزه، این ساختارها با ضعف در فرایند تربیت جنسی افراد روبه رو هستند. خانواده از پایگاه های مهم و پایه ای اجتماعی کننده افراد است. اما زمانی که والدین در زمینه آگاهی و دانش جنسی دچار مشکل باشند، علاوه بر آنکه ارتباط جنسی رضایت بخشی نخواهند داشت، ممکن است به شایستگی از عهده آگاهی بخشی مناسب به فرزندان برنیایند. در این وضعیت، هم خود والدین و هم فرزندان با ضعف در دانش جنسی روبه رو می شوند و ممکن است از کانال های غیررسمی اطلاعاتی ناکافی و نامناسب کسب کنند. همچنین ممکن است برای بروز خود یا برای پاسخ گویی به نیاز جنسی خود راه های متفاوتی برگزینند؛ مثلاً پاسخ گویی به این میل در فضاهایی مانند سالن های ورزشی. گاهی به رغم طبیعی بودن این نیاز به دلیل قبح این مسائل به خصوص در جوامع و خانواده های سنتی، خانواده از کارکرد آگاهی بخشی خود به فرزندان ممانعت به عمل می آورد. در نتیجه، چنین رفتارهایی رفتارهای جنسی از حوزه خصوصی به حوزه عمومی و نمودهای بیرونی وارد می شود. دومین نهاد اجتماعی کننده، محیط های آموزشی اند. از نظر مصاحبه شوندگان، محیط های

آموزشی، چه مدارس و چه دانشگاه‌ها و دیگر نهادهای مرتبط، نیز نقش مهمی در این زمینه می‌توانند بازی کنند، زیرا در دوران کنونی افراد پس از خانواده سهم عمده‌ای از زندگی خود در این محیط‌ها سپری می‌کنند. به عبارتی، در کنار خانواده این محیط‌ها برای آموزش جنسی به افراد حائز اهمیت‌اند. اما متأسفانه تربیت جنسی در این نهاد نیز با غفلت و سهل‌انگاری مواجه شده است. علاوه بر آن، از نظر مصاحبه‌شوندگان فقدان متخصصان و کارشناسان یا بی‌علاقگی آنان برای تحقیق در این حوزه نشان از این کاستی است. به دنبال خانواده و محیط‌های آموزشی نقش رسانه و سازوکار آن به‌منزلهٔ سومین عامل اجتماعی کردن افراد در این حوزه جای تأمل دارد. بنابراین، اگر رسانه را نیز عامل جامعه‌پذیری افراد بدانیم و اگر به رسالت اجتماعی آن قائل باشیم و با دیدی واقع‌بینانه به مسائل جنسی بیندیشیم، کوتاهی و شانه خالی کردن رسانه از این نقش مهم درخور توجه است.

عسل می‌گوید:

به بچه آموزش نمی‌دیم به بچه نمی‌گیم در وجودت همچین نیرویی هست. کسی نباید به حریمت نزدیک بشه. کدوم مادری رو سراغ دارید که این‌ها رو به بچه درست بگه... چرا ما متخصص سکسولوژی نداریم یا چرا کم داریم...

عالیه می‌گوید:

خدا نگفته سرکوب کنید. حتماً راهی هست. اون راه رو من متخصص نیستم. بلد نیستم. ولی کسی که علمش رو داره، اگه نفهمه ما چه مشکلی الان در جامعه داریم و چه شکلی باهاش رفتار کنیم، اون علمش علم نیست.

رسانه و مصرف رسانه

چیزی که رسانه در قالبی از نشانه‌ها به تصویر می‌کشد، خوانشی را ایجاد می‌کند که فراتر از تصاویر است و درصدد نفوذ کردن به افکار و نگرش‌ها، همانندسازی و در نتیجه ایجاد هویت جدید است. رسانه‌های جمعی، به‌خصوص رسانه‌های تصویری، منبع اصلی یادگیری اجتماعی‌اند. با توجه به رویکرد شیء‌وارگی می‌توان گفت امروزه استانداردهای زیبایی از طریق رسانه‌های جمعی به زنان القا می‌شود؛ استانداردهایی که گرچه ممکن است زیبایی به همراه داشته باشد، با صرف زمان و هزینهٔ زیاد توأم است. در این پژوهش، پژوهش‌گران به نقش تأثیرگذار رسانه در برانگیختن میل جنسی و جنسی‌سازی فضاهای مختلف جامعه، از جمله فضاهای ورزشی، پی بردند.

درواقع، سازوکار رسانه با اقتناع‌سازی همراه است و برای نیل به هدف خود و نفوذ در اذهان از ایدئولوژی و هژمونی فرهنگی استفاده می‌کند. بدین طریق که رسانه و عمدتاً رسانه‌های

خارجی دائماً در حال نمایش بدن‌هایی زیبا و موزون و از نظر جنسی تحریک‌کننده‌اند. در واقع، نمایش این بدن‌ها به منزله رواج‌دادن استانداردهای زیبایی جهانی است و رسانه‌ها برای نیل به این هدف از روش‌ها و برنامه‌های متنوعی استفاده می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های خاص رسانه شبیه‌سازی و منفعل کردن افراد در برابر پیام‌های خود است. بنابراین، افراد مختلف برای عقب‌نماندن از قافله زیبایی و جذابیت به الگوگیری از این مدل‌ها مبادرت می‌ورزند و همان‌طور که در قسمت قبل ذکر شد، گاهی زنان جدا از میل شخصی خود، به بدنی زیبا به دلیل تقاضای تغییر یافته همسران مجبور به همانندسازی با الگوهای زیبایی می‌شوند. نکته مهمی که در رابطه با تقاضای تغییر یافته مردان باید مورد توجه قرار بگیرد، مصرف رسانه‌ای است.

رسانه‌ها، به خصوص شبکه‌های ماهواره‌ای، با ارائه سبک زندگی آزادانه و مبتنی بر لذت‌جویی، در حال شکل‌دهی به ذائقه افرادند و زمانی که مخاطبان به مشاهده سبک زندگی ارائه شده در این گونه رسانه‌ها می‌پردازند، آن را جذاب‌تر می‌یابند و درصدد شبیه‌سازی با آن برمی‌آیند و بدین‌گونه فرایند نفوذ فرهنگی و به‌دنبال آن واپسماندگی فرهنگی به‌وجود می‌آید. زنان و دختران الگوهای خود را از فیلم‌ها و جشن‌ها و دیگر محصولات رسانه‌ای خارجی گزینش می‌کنند. شاید بتوان به مفهوم انتقال فیزیکی فکوهی اشاره کرد که منظور از آن راه‌یافتن عناصر فرهنگی، نه در قالب واقعی و طبیعی، بلکه از خلال بازنمایی‌های تصویری یا رسانه‌ای آن‌ها از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر است [۱۶، ص ۱۵۲].

مردان با مشاهده این‌گونه تولیدات رسانه‌ای جذب افرادی با این ویژگی‌ها می‌شوند و حتی ممکن است از زنان تقاضای همانندی با مدل‌های رسانه‌ای داشته باشند. علاوه بر ماهواره، شبکه‌های اجتماعی جدیدی مانند وایبر، تلگرام، واتس‌آپ، لاین و... در بعضی مواقع با تشکیل صفحاتی با مضامینی غیراخلاقی و عمدتاً سکسی به جنسی شدن فضای جامعه منجر می‌شوند و بدین طریق ایدئولوژی جنسی شدن جامعه عمل می‌پوشد. به عقیده مصاحبه‌شوندگان اگر رسانه‌های داخلی برنامه‌های متنوع و جذابی را ارائه دهند و به‌خوبی بتوانند ذائقه افراد را پاسخ دهند، شاید گرایش به سمت رسانه‌های غربی و صفحات غیراخلاقی تاحدی کاسته شود. عسل می‌گوید:

رسانه ما چیز خوبی ارائه نمی‌کنه. سینمای ما اون قدر فیلمای خوب نداره. خوب جوون‌ها می‌رن سراغ فیلم‌های خارجی. می‌گن توی اینترنت نرو، خوب شما توی اینترنت ملی مفاهیم خوب بذار، من می‌رم اون. رسانه‌ها ما رو ساپورت نمی‌کنن.

شیوا می‌گوید:

خوب فیلم‌های خارجی خیلی اثرگذارن. اون موقع که فیلم حریم سلطان پخش می‌شد، همه دنبال شبیه‌شدن به زیبایی فلان شخصیت این فیلم بودن. مثلاً دوستم

می‌گفت شوهرم گفته باید مثل این بازیگره باشی. خوب وقتی آقایون و خانوم‌ها می‌شینن پای این فیلم‌ها و این همه روابط و مدل‌ها رو می‌بینن فکر می‌کنن این‌ها آخره لذته. همین می‌شه که آقا از خانوم خودش لذت نمی‌بره.

موقعیت طبقاتی

همان‌طوری که در بحث از مفهوم جلوه‌گری جنسی و تناسب اندام ذکر شد و با توجه به مطالعات اکتشافی و تجربه هشت‌ساله پژوهش‌گران، این تحقیق و نیز بررسی شرایط باشگاه‌های مناطق مختلف در سطح شهر (بالا، متوسط و پایین) به افراد قشر متوسط و بالای شهری برخوردیم که بیشتر به شرایط ظاهری و نمودهای جنسی آن اهمیت می‌دادند. از نظر بورديو، افراد جامعه با عملکردهایی نظیر سبک زندگی و مصرف خود را از بقیه افراد جامعه متمایز نشان می‌دهند و سعی در نگاه‌داشت الگوی تمایز دارند که برای آن‌ها تشخیص به همراه دارد. بنابراین، این افراد براساس حجم و میزان سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی با برخی افراد اشتراکاتی می‌یابند و با برخی دیگر فاصله پیدا می‌کنند.

شیوا می‌گوید:

قشری از افراد می‌خواد پول خرج کنه. می‌آد ورزش که لباسش رو آرایشش رو و یا جراحی‌های زیباییش رو به بقیه نشون بده. اما یه سری از افراد دیگه می‌آن عجله‌عجله ورزششون رو انجام می‌دن و می‌رن کاری به بقیه چیزها ندارن.

مهسا می‌گوید:

هستن افرادی که هدف‌های دیگه‌ای غیر از ورزش دارن و عمدتاً برای خوش‌گذرونی و نمایش خود به باشگاه می‌آن. با پولش انواع کارهای زیبایی رو انجام داده می‌خواد نشون بده چون فرصتش اینجا مهیاست. می‌خواد پولش رو به رخ بکشه.

نوع ورزش

نوع ورزش در بروز نمودهای جنسی حائز اهمیت است. پژوهش‌گران با استفاده از مشاهدات خود و تحلیل مصاحبه‌ها به فضای جنسی مبنی بر گفت‌وگوها، بیانات جنسی و شوق جنسی در بعضی از ورزش‌ها بیشتر از دیگر ورزش‌ها پی بردند. تعدادی از این ورزش‌ها عبارت‌اند از زومبا، ایروبیک، شنا و ماساژ. شاید بتوان گفت فرصت برهنگی بیشتر در این ورزش‌ها زمینه را برای چنین فضایی مهیا می‌کند. علاوه بر فرصت برهنگی، گاهی حرکات موجود در ورزش چنین فضایی فراهم می‌آورد؛ مثلاً، حرکات موزون و ریتمیک در زومبا یا ایروبیک، به دلیل اینکه این نوع فعالیت‌های ورزشی سبب افزایش فعالیت هورمون‌های بدن می‌شود، از یک‌طرف این

حرکات باعث افزایش این میل می‌شود و از طرف دیگر برای افرادی که به‌نوعی با ناکامی جنسی روبه‌رو هستند شاید به‌منزله نیرویی ارضاکنده تلقی شود. همان‌طوری که قبلاً هم ذکر شد، گاهی اوقات کارکردن زیاد با دستگاه‌های ورزشی و دمبل‌ها سبب تخلیه شدن افراد و کاهش میل جنسی می‌شود.

مینا می‌گوید:

خانم‌ها دوست دارن در ورزش‌هایی مثل زومبا باشن. اونجا برهنگی بیشتره...

غزاله می‌گوید:

این جور مسائل توی ورزش‌هایی مثل شنا و ایروبیک هست. پیداست که طرف اومده شنا برای میلش اومده. مثلاً توی استخر لباسشون خیلی کمه خیلی بازه...

عالیه می‌گوید:

توی ماساژ میل جنسی هست، هم از طرف ماسور هم فردی که ماساژ می‌شه. حتی اگه این میل خودآگاهم نباشه، ناخودآگاه هست...

فضای باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی

در کنار نوع ورزش‌ها، گاهی فضای باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی نیز بستر را برای بروز اغراض جنسی میسر می‌کند؛ مثلاً، بعضی باشگاه‌ها افراد بیشتر جوان‌اند و به خود و زیبایی‌شان بیشتر می‌رسند. برعکس باشگاه‌های دیگر که ممکن افراد بیشتر برای سلامتی و کارکرد درمانی مراجعه کنند. این فضاها بیشتر برحسب مناطق اعیان‌نشین و مدرن درمقابل فقیرنشین و سنتی تعریف می‌شود. در این مطالعه، هشت سالن ورزشی در مناطق اعیان‌نشین و مدرن و متوسط و پایین بررسی شده است. نقش مربی و مدیر باشگاه در ساختن فضای حاکم بر باشگاه برجسته به نظر می‌رسد. وقتی در این محیط مربی فقط بر آموزش‌های ورزشی تأکید داشته باشد و زمان خالی برای افراد قرار ندهد، یا زمانی که خود مربی پوشش و رفتار مناسب هر ورزش را رعایت کند و به افراد مراجعه‌کننده با جدیت این مسائل را گوشزد کند، بروز این‌گونه رفتارها کاهش می‌یابد. گاهی صرفاً برای سودآوری بیشتر رفتارهای مبتنی بر امیال جنسی از سوی صاحبان و یا مدیریت باشگاه نادیده انگاشته می‌شود و در نتیجه کارکرد اصلی ورزش وانهاد و دستخوش اغراض جنسی می‌شود.

غزاله می‌گوید:

فضای باشگاه‌ها و استخر و نوع آدم‌هاش متفاوت‌اند. برای مثال افرادی که می‌آن استخر... چون ترن برای خودنمایی می‌آن، ولی در باشگاه... افراد ساده‌ترن معمولی‌ترن و بیشتر مسن هستن. بیشتر برای درمان و ورزش می‌آن مثلاً برای کمردرد.

شیوا می‌گوید:

صاحب باشگاه می‌گفت ما چی کار داریم کی می‌آد اینجا و چی کار می‌کنه. بذار بیاد و پول بده. گاهی هم خود مربی رو برای مشتری جمع کردن نگه می‌دارن. چون مربیه خوشگله، خوش‌اندامه، برنز کرده، تتو کرده، پرسینگ کرده، پس مشتری جذب می‌کنه.

استراتژی‌ها: بُعد دوم در مدل پارادایمی استراتژی‌هاست. افراد درگیر موضوع تحت‌تأثیر شرایط مطرح‌شده مجموعه راهکارهایی را به کار می‌بندند. در واقع، استراتژی‌ها پاسخ افراد به شرایط هستند. در این پژوهش، مصاحبه‌شوندگان با انواع مختلفی از تعاملات و استراتژی‌ها فضای جنسی در باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی را سبب می‌شوند. استراتژی‌های مطرح شده از سوی افراد با عنوان مقوله فانتزی‌های زیبایی بررسی می‌شوند. فانتزی‌های زیبایی مجموعه اعمالی است که افراد برای زیباسازی بدن خود، جلوه‌گری جنسی و کسب لذت انجام می‌دهند و همه تلاش این افراد برای کسب استانداردهای زیبایی است. درحقیقت برای افراد مذکور، مبادرت ورزیدن به انواع فعالیت‌های ورزشی، رژیم‌های تغذیه‌ای خاص و کسب دانش و اطلاعات مربوط زیبایی، تناسب اندام و مسائل جنسی، حتی متوسل شدن به جراحی‌هایی زیبایی و فعالیت‌هایی نظیر خالکوبی، تاتو و... نه امر طبیعی، بلکه ضروری به نظر می‌رسد. امروزه بدن دیگر چیزی از پیش تعیین شده نیست و تابع ذائقه‌های مختلف افراد است؛ بدین معنا که افراد هرگونه که مورد پسندشان است بدن خود را از طریق اعمالی نظیر رژیم غذایی، فعالیت‌های ورزشی، جراحی و... برمی‌سازند. بدن مانند پروسه‌ای است که دائماً در حال دگرگون شدن است؛ مثلاً، ورزش‌های هوازی و غیرهوازی، انفرادی یا جمعی نظیر ایروبیک، فیتنس، ماساژ، شنا، زومبا، پیلاتس، یوگا و مدیتیشن، بادی‌شپ^۱، دوچرخه‌سواری، طناب‌زدن، پیاده‌روی، کوهنوردی استفاده از دستگاه‌های ورزشی مختلف مانند تردمیل، تن‌تاک و... جراحی‌های زیبایی مانند جراحی بینی، تزریق ژل به لب و گونه، بوتاکس، کشیدن پوست صورت و بازو و جراحی سینه، شکم و ران، پرسینگ^۲ ناف، بینی گوش و... خالکوبی و تتو روی سینه، بازو و ران، الکترولیز، اپیلاسیون، لیزردرمانی، طب گیاهی و طب سوزنی برای رفع چاقی یا ایجاد ماهیچه در قسمت‌های خاص بدن. از دید افراد مصاحبه‌شده، اقدام به چنین اعمالی به اکتساب زیبایی و اهداف پنهان مرتبط با آن منجر می‌شود. اهدافی نظیر جلوه‌گری جنسی پاسخ‌دادن به تغییر ذائقه مردان در رابطه با تصور زن مطلوب و...

با توجه به موضوع بررسی‌شده، که دربرگیرنده زیست‌جنسی زنان در باشگاه‌های ورزشی است و از آنجا که حلقه رابط زیست‌جنسی فعالیت‌های ورزشی و فانتزی‌های زیبایی است، در روند

۱. shape Body: بادی‌شپ روشی مناسب و خاص جهت فرم‌دهی و قرینه‌سازی بدن است.

۲. Piercing: پرسینگ به معنای سوراخ‌کردن پوست و نصب اشیای تزئینی در آن است.

مصاحبه‌ها به مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فانتزی‌های زیبایی از جمله پرسینگ، تاتو و خالکوبی و... دست یافته شد. در رابطه با پرسینگ، تاتو و خالکوبی توجه به این نکته حائز اهمیت است که این‌گونه اقدامات علاوه بر آنکه به منظور زیبایی، متفاوت بودن از بقیه و مطابق مد روز بودن و... انجام می‌گیرد، کارکرد پنهانی نیز دارد و آن کسب لذت جنسی است. برای بعضی افراد مصاحبه‌شده، سوراخ کردن بدن برای خالکوبی تاتو یا پرسینگ و... حس لذت‌بخشی به همراه دارد. درواقع، تاتو و خالکوبی تلاش جسم برای شکاندن تفسیر و روایت حاکم بر جسم، برای شکاندن ارگانسیم سنتی و مدرن حاکم بر جسم و ایجاد بدنی جدید یا به قول دلوز «بدنی بدون اندام» جدید است. این «بدن بدون اندام» جدید، مانند تصویر دو اژدها بر تن زن یا اژدها بر تن درواقع نظمی نو و اشتیاقی نو است که اکنون ارگانسیم و حالت کهن را می‌شکند و حالتی نو، بازی نو و تمنای نو ایجاد می‌کند. با این نگاه دلوزی، آن‌گاه نقش اول درواقع بیانگر جسمی نو و زنی است که با نقش دو اژدهای درهم‌تنیده بر تن خویش، حکایت از بدن و جنسیتی توانا به رقص و دیالوگ عاشقانه میان دو قدرت عظیم زنانه/ مردانه، عشق/ قدرت، اروتیسم/ قدرت درون و برون خویش می‌کند. این بدن نو و رقصان و قابل تحول، ارگانسیم بدن مدرن سوژه-ابژه‌ای یا بدن سنتی خیر-شری را می‌شکند و بدنی نو و توانا تر و جذاب‌تر می‌آفریند [۳]. در این زمینه، در متون آسیب‌شناسی روانی این‌گونه رفتارها که به حس لذت جنسی منجر می‌شود، جزء رفتارهای مبتنی بر انحراف‌های جنسی تلقی می‌شود؛ مثلاً، پی. هالچین و کراس ویتبورن (۲۰۰۳) در کتاب *آسیب‌شناسی روانی*، داغ‌خواهی مانند کسب لذت جنسی از سوراخ کردن پوست یا تاتو را در زمره انحراف و ناهنجاری‌های جنسی^۱ برشمرده‌اند [۲۵].

ماندانا می‌گوید:

ایروبیکیک، یوگا، بدن‌سازی با دستگاه و بدون دستگاه، ماساژ و لیزر هم رفتم که کار همون طب سوزنی رو می‌کنه برای چربی‌سوزی و کاهش اشتها. پیاده‌روی، دوچرخه و تردمیل هم هر روز یک ساعت حتماً انجام می‌دم.

مهسا می‌گوید:

۲۹ سالم که بود پرسینگ ناف کردم. شکمم تخت شد خوشم می‌اومد همه ببینن شکمم این قدر صافه که نافم پیدااست.

فهیمة می‌گوید:

چاقی بلای همگانیه. من ورزش‌های زیادی رو انجام دادم و برای نگه داشتن وزنم

خیلی تلاش کردم. هرچی کلاس بود از هوازی و غیرهوازی و کار با دستگاه رو رفتم. این قدر طناب و دراز و نشست می‌زدم که قولنج می‌شدم.

بنابراین، مقولهٔ محوری فانتزی‌های زیبایی دربرگیرندهٔ سه نوع کنش و به عبارتی مفهوم متمرکز است که به طور خلاصه عبارت‌اند از: فعالیت‌های ورزشی، جراحی‌های زیبایی و خالکوبی، رژیم‌های تغذیه‌ای متفاوت.

پیامدها: پس از مطرح کردن شرایط و استراتژی، اینک به پیامدهای چنین مسئله‌ای پرداخته می‌شود. به دلیل اینکه این پدیده مسئله‌ای اجتماعی است و نیز به دلیل ماهیت چندبعدی بودن مسائل اجتماعی، پیامدها در بررسی این مسئله در قالب پیامدهای منفی و مثبت ارائه می‌شود. پیامدهای منفی و مثبت هر یک دربرگیرندهٔ دو مقولهٔ محوری پیامدهای روانی و اجتماعی است.

پیامدهای منفی

پیامدهای روانی: ظاهرگرایی افراطی از پیامدهای روانی و منفی مهم در شناخت زیست‌جنسی زنان در باشگاه‌های ورزشی است. ظاهرگرایی افراطی در فضای تنوع‌طلبی و لذت‌گرایی به‌وجود می‌آید و به شرایطی اشاره دارد که در بستر لذت‌گرایی و تنوع‌طلبی سهم زیادی از زمان و هزینهٔ افراد صرف توجه به ظاهر و بدن خود می‌شود و ظاهر و بدن دائماً مورد بازنگری قرار گرفته و به بیانی دست‌کاری می‌شود. علاوه بر آن، می‌توان گفت در کنار توجه افراطی به ظاهر و بدن آنچه قابل توجه می‌نماید، توجه بیش از حد به امیال و غرایز جنسی است و در نتیجه امیال و غرایز بیش از حد جنبهٔ بصری پیدا می‌کند و شاهد اروتیزه‌شدن زیبایی در فضای لذت‌گرای جامعه هستیم.

شیوا می‌گوید:

تنوع‌طلبی هست. مثلاً توی باشگاه‌ها می‌بینم هر روز خانم‌ها از همدیگه می‌پرسن فلان جراحی چطوریه؟ من جراحی شکم رو انجام دادم چندتا دیگه هم می‌خوام برم. می‌خوام این قسمت بدنم اون فرمی بشه که فلان بازیگره هست چه نوع ورزشی انجام بدم؟ بهشون می‌گم این قدر به خودتون ور می‌رید که چی؟ خوب بحث تنوع‌طلبیه دیگه... الان همه باهم رقابت می‌کنن و می‌خوان خودنمایی کنن.

نوشین می‌گوید:

شهوت‌ها خیلی زیاد شده. خانم‌ها می‌خوان جلب توجه کنن. از اون طرف آقایون هم از خانم خوش‌اندام و خوش‌هیکل و زیبا خوششون می‌آد. خوب این باعث می‌شه که همشون برن به سمت آرایش و جراحی و پروتز و...

پیامدهای اجتماعی: تعدادی از افراد مصاحبه‌شده به این نکته اشاره کردند که وقتی تا حدی به نیاز جنسی در سالن‌های ورزشی پاسخ داده می‌شود، بعضی از افرادی که خود مشکلات خانوادگی و زناشویی و... دارند یا مشکلات افراد دیگر را مشاهده می‌کنند زمینه را برای جدایی هموارتر می‌یابند یا تا حدی کمتر سراغ ازدواج می‌روند. علاوه بر آن، در چنین فضای، لذت‌گرایی اخلاق عمومی جامعه ممکن است تحت‌الشعاع قرار گیرد و همه‌چیز با لنز جنسی نگریسته شود.
مبینا می‌گوید:

یکی از ورزشکارهایی که می‌اومد باشگاه با شوهرش مشکل داشت و می‌گفت وقتی می‌آم باشگاه نیازهام برطرف می‌شه... از یه طرف دیگه ورزش کردن زیاد یا سنگین کار کردن باعث می‌شه هورمونی در بدن ترشح بشه که افراد ارضا بشن و نیازی به ازدواج نداشته باشن.

گرچه در بررسی این مسئله پیامدهای منفی شرح داده شد، ذکر پیامدهای مثبت این مسئله نیز جالب به نظر می‌رسد.

پیامدهای مثبت

پیامدهای روانی: مقوله مهم خودپنداره مهم‌ترین پیامدهای روانی است که حضور پررنگ زنان در باشگاه‌های ورزشی و انجام فعالیت‌های ورزشی را توجیه می‌کند. خودپنداره ارزیابی کلی فرد از خودش است. این ارزیابی ناشی از ارزیابی‌های ذهنی فرد از ویژگی‌های خود است که ممکن است مثبت یا منفی باشد. خودپنداره مثبت نشان‌دهنده این است که فرد خودش را در مقام شخصی با نقاط قوت و ضعف می‌پذیرد و این امر موجب بالارفتن اعتمادبه‌نفس او در روابط اجتماعی می‌شود. خودپنداره منفی منعکس‌کننده احساس بی‌ارزشی و بی‌لیاقتی و نیز ناتوانی خود است [۲۸]. ورزش باعث ایجاد آرامش، شادابی، روحیه شاد، حس رضایت‌مندی و اعتمادبه‌نفس می‌شود. درعین حال، به اعتقاد تعدادی از افراد مصاحبه‌شده ورزش خلوت و تنهایی افراد را پر می‌کند. زمانی که تصور بدنی فرد از خودش مثبت باشد، مجال برای ارضای روحی فرد و ایجاد خودپنداره مثبت مهیا می‌شود؛ بدین معنا که فرد از داشتن اندامی زیبا و توجه به خود احساس رضایت و آرامش روانی کسب می‌کند.
مبینا می‌گوید:

بیشتر برای روحیه‌م می‌آم ورزش. می‌خوام شاداب‌تر باشم. ورزش واقعاً لذت‌بخشه، نشاط‌آور، ورزش شاداب‌ت می‌کنه. افسردگی می‌ره و اعتمادبه‌نفس می‌ره بالا و همه این‌ها روی اطرافیانت، یعنی شوهر بچه و خانواده، تأثیر می‌ذاره.

ماندانا می‌گوید:

اعصابم که از چاقی‌م خُرد بود، افسردگی گرفته بودم. ورزش آروم‌م کرد و اعتمادبه‌نفسم با کاهش وزن رفت بالا. عذاب وجدان می‌گیرم وقتی اندامم خوب نیست. اعصابم خرد می‌شه. اگه ورزش نکنم، آرامش ندارم. اصلاً به ورزش اعتیاد دارم.

مهسا می‌گوید:

می‌خوام خوش تیپ باشم. خوش‌تیپی یه نوع لذته. خوش‌هیکلی اون قدر حس خوبی بهم می‌ده که باعث می‌شه سراغ حس‌های دیگه نرم. ارضای روحی می‌شم از تناسب اندامم. کیف می‌کنم وقتی همسرم بهم می‌گه تو از فلانی خوش‌تیپ‌تری.

پیامدهای اجتماعی: در تحکیم خانواده می‌توان گفت زمانی که زنان با تغییر نگرش مردان از تصور زن مطلوب مواجه می‌شوند، شاید یکی از واکنش‌های آن‌ها توجه به تن و زیباسازی آن است؛ بدین دلیل که می‌خواهند همواره زندگی خانوادگی پایدار و مطلوبی داشته باشند که این اعمال به گونه‌ای موجب تحکیم روابط در خانواده می‌شود. از طرف دیگر، وقتی فرد مطابق استانداردهای زیبایی رفتار کند، ممکن است پذیرش اجتماعی بیشتری از طرف خانواده، دوستان، خویشاوندان یا حتی محیط کاری داشته باشد.

شیوا می‌گوید:

خانم جوونی در مورد فلان جراحی بدن سؤال می‌پرسید. بهش گفتم تو که جوونی و سنت کمه چرا می‌خوای این کار رو بکنی. گفت شوهرم به خاطر شغلش دائم خارج از کشوره. اونجا زن‌ها رو که می‌بینم، خوش‌تیپان. می‌ترسم بیاد اینجا من رو نبینم. می‌خوام خوش‌اندام باشم.

مهسا می‌گوید:

شوهرم خیلی تناسب اندام براش مهمه. خودش ورزشکاره. بهم می‌گه اگه به خودت نمی‌رسیدی و خوش‌هیکل نبودی، حتماً می‌رفتم سراغ آدم‌های خوش‌هیکل. خوب من هم حساسیتم به خودم بیشتر شد.

در ادامه در جدول ۳ و شکل ۱ به ارائه مفاهیم و مقولات استخراج‌شده پرداخته شده است.

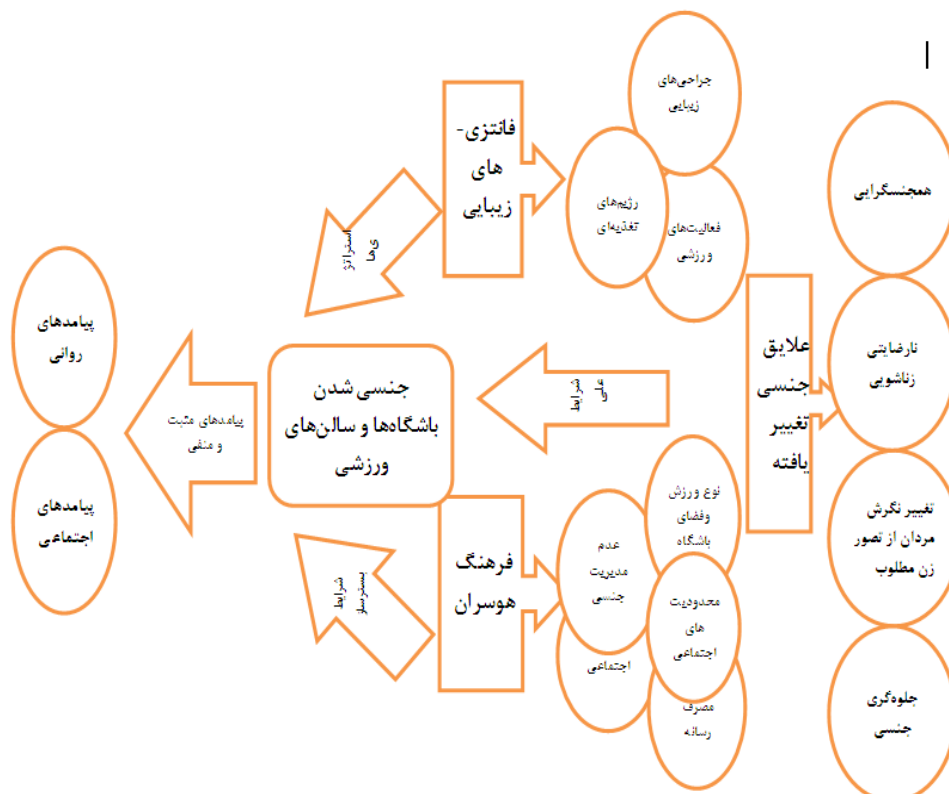
جدول ۳. مفاهیم متمرکز و مقولات محوری و گزینشی

مفاهیم متمرکز ^۱	مقولات محوری	کد گزینشی
جلوه‌گری جنسی		
تغییر نگرش مردان از زن مطلوب	علاقه جنسی تغییر یافته	
نارضایتی‌های زناشویی		
هم‌جنس‌خواهی		
محدودیت‌های اجتماعی		
عدم مدیریت جنسی		
رسانه و مصرف رسانه	فرهنگ هوسران	درهم‌ریختگی زیست‌جنسی
پایگاه طبقاتی		
نوع ورزش		
فضای باشگاه‌ها		
فعالیت‌های ورزشی		
رژیم‌های تغذیه‌ای	فانتزی‌های زیبایی	
جراحی‌های زیبایی		
پیامدهای مثبت و منفی	پیامدهای روانی و اجتماعی	

سومین مرحله کدگذاری این پژوهش کدگذاری گزینشی یا انتخابی است؛ یعنی پیدایش هسته مرکزی که در سطحی بسیار انتزاعی دربرگیرنده همه مفاهیم و مقولات است. در این مرحله، به بیان خط داستان زیست‌جنسی زنان در باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی پرداخته می‌شود. با غوطه‌ور شدن در داده‌ها، بررسی و تحلیل دقیق و موشکافانه مفاهیم و مقولات کشف‌شده از خلال متون پیاده‌شده مصاحبه‌ها به مقوله اصلی و هسته مرکزی دست یافته شد. در این پژوهش، درهم‌ریختگی زیست‌جنسی زنان^۲ به‌منزله هسته مرکزی کشف شد. هسته مرکزی مطرح‌شده مخرج مشترکی است از همه مفاهیم و مقولات مطرح‌شده در این پژوهش.

۱. برای اجتناب از اطاله کلام و به دلیل اینکه تعداد مفاهیم اولیه بسیار زیاد است، در مرحله کدگذاری باز فقط به به بیان کدهای متمرکز پرداخته شد.

2. Anomy of women's sexual life



شکل ۱. ارائه مدل پارادایمی عوامل زمینه‌ساز زیست‌جنسی زنان در باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی

سیر داستانی زیست‌جنسی زنان در باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی

شاید هیچ‌چیز به اندازه زیست‌جنسی زنان در دوران کنونی دستخوش تغییر و تحول نشده باشد. از آنجا که دو تن از پژوهش‌گران سال‌های متوالی در باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی حضور داشتند و به‌طور مستقیم و رودررو شاهد فضای جنسی مطرح‌شده در محیط‌های ورزشی بودند، به منظور بررسی شرایط مؤثر در این فضا وارد میدان پژوهش شدند. در این سفر اکتشافی، پس از طی گام‌های ابتدایی، گردآوری اطلاعات از ۲۱ نفر افراد مناسبی که دروازه‌بانان تحقیق نامیده می‌شوند، انجام یافت؛ به‌طور هم‌زمان، فرایند تحلیل اطلاعات با استفاده از تکنیک‌های نظریه داده‌بنیاد انجام شد. گیبسون و براون [۲۹] نیز معتقدند نظریه داده‌بنیاد نوعی نظریه از پایین به بالاست؛ یعنی فرایند خلق نظریه از طریق اکتشاف داده‌هاست. در این راستا، پژوهش‌گران با بررسی و تأمل فراوان به مفاهیم اولیه و سپس متمرکز دست یافتند. در گام بعدی، با تقلیل

همه مفاهیم متمرکز، شش مقوله محوری عمده تولید شد. سپس پژوهش‌گران با در نظر گرفتن مقولات مطرح‌شده در ابعاد مختلف شرایط، استراتژی‌ها و پیامدها به رسم‌الگوی پارادایمی اقدام کردند. مدل پارادایمی مورد نظر دربرگیرنده تعاملات و روابط مقولات مطرح‌شده در سراسر این پژوهش است. درنهایت، پژوهش‌گران به مقوله نهایی، یعنی هسته مرکزی، دست یافتند. هسته مرکزی در این روایت عبارت است از درهم‌ریختگی زیست‌جنسی. درهم‌ریختگی زیست‌جنسی به معنای به‌هم‌ریختگی و آشفتگی در حوزه میل جنسی، نمودها و مسائل مرتبط با آن است. منظور از درهم‌ریختگی زیست‌جنسی شرایطی نابسامان در حوزه هنجارهای جنسی است؛ یعنی اگر در زمان‌های گذشته محل بروز میل جنسی فقط محدود به خانه و محیط خانواده بود، در دوران کنونی دامنه این میل به حوزه‌های عمومی بسط یافته است و درحقیقت کل جامعه هدف قرار گرفته است. این امر نشان‌دهنده تغییر مجرای پاسخ‌گویی به امیال جنسی از مجراهای مقبول به مجراهای نامقبول است.

نتیجه‌گیری

درواقع، می‌توان گفت تابوهای اجتماعی حول غرایز جنسی و نمودهای آن اینک در حال رنگ‌باختن است. در این فضای مبتنی بر امیال و تمایلات جنسی، جای شگفتی نیست که بعضی از زنان و دختران، که منش و ذائقه نسبتاً متفاوتی از عموم دارند، محیط‌های عمومی همچون باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی را که دلالت‌های سلامتی و صحت‌بخشی دارند در بازتعریفی جدید به محیطی ویژه و خاص، که حاکی از دلالت‌های نمایش و لذت‌بردن از سرمایه جنسی است، تبدیل می‌کنند. علاوه بر این، برای این‌گونه افراد ثروت و فراغت با نمایش و نمودهای ظاهری بروز می‌یابد و افراد از انواع و اقسام کنش‌ها برای به رخ کشیدن تمایزها و سرمایه‌های خود استفاده می‌کنند. به نظر وبلن، ثروت مهم‌ترین عامل کسب منزلت است که باید نمود خارجی داشته باشد و بهترین نمود آن مصرف تظاهری و نمایشی است. برای نمونه، افراد با نوع پوشش، آرایش و زیورآلات، خود و طبقه خود را از دیگران متمایز می‌کنند [۲۳].

جلوه‌گری جنسی یکی از نمودهای کمرنگ‌شدن تابوهای غرایز جنسی را به‌خوبی تصویر می‌کند. این مفهوم به معنای تلاش برای کسب زیبایی‌ها و توانایی‌های جنسی و بهره‌برداری از وجوه مختلف آن است. تمتعانی نظیر زیبایی و جذابیت، پذیرش و تأیید اجتماعی، میل جنسی و... کاترین حکیم در این باره مفهومی مشابه را مطرح می‌کند. از نظر حکیم، سرمایه جنسی^۱، آمیزه‌ای از جذابیت‌های ظاهری و اجتماعی است و مسائل جنسی بخشی از این سرمایه است. وی با الهام‌گرفتن از تقسیم‌بندی بوردیو درباره انواع سرمایه، بحث سرمایه جنسی را نیز به‌منزله

سرمایه معرفی می‌کند و معتقد است همان‌گونه که در نگاه بوردیویی انواع سرمایه قابل تبدیل به یکدیگرند، سرمایه جنسی نیز قابلیت تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را دارد و نقش مهمی را در مناسبات قدرت در سطوح مختلف جامعه ایفا می‌کند. حکیم برای سرمایه جنسی شش مؤلفه را ذکر می‌کند که عبارت است از: ۱. زیبایی؛ ۲. جذابیت جنسی؛ ۳. مؤلفه اجتماعی مثل مهارت چگونگی ارتباط برقرار کردن با دیگران؛ ۴. سرزندگی که ترکیبی است از برزندگی ظاهری، انرژی اجتماعی و خوش‌مشربی؛ ۵. شیوه ظاهرشدن در جامعه که پایگاه اجتماعی و سبک زندگی فرد را به نمایش می‌گذارد و ۶. خود مسائل جنسی [۱۱].

بدین منظور، افراد از فانتزی‌های زیبایی یعنی انواع مختلف ورزش‌ها، جراحی‌ها و دیگر فعالیت‌های زیبایی برای اهداف جنسی خود استفاده می‌کنند. در کنار آن، تعدادی از افراد سعی دارند پیکرهای خود را به نمایش بگذارند و از تحسین پیکرهای خود و دیگران احساس لذت و مسرت می‌کنند و ارضا نیز می‌شوند. بنابراین، برای این گروه از زنان کارکرد جنسی این محیط‌ها مرکزی‌تر و کانونی‌تر از کارکرد سلامتی‌بخش آن است. آنچه در این شرایط به‌منزله عاملی تسریع‌کننده اثری بس درخور توجه دارد، تقاضای مردان برای تملک بدن زنان به‌منزله شیء جنسی است. و این تقاضا تا حدی به تأثیر شگفت‌انگیز و البته درخور تأمل رسانه رجوع می‌کند؛ رسانه‌ای که با هوشیاری و ذکاوت از عدم عقلانیت جنسی و محدودیت‌های اجتماعی یک جامعه به سود خود استفاده کرده و بدن انسان و مخصوصاً بدن زن را چونان کالایی جنسی وارد بازار جنسی کرده و به مدد انواع تبلیغات فریبنده، مالک اذهان انسان‌ها نیز شده است. باندورا درباره نقش رسانه می‌گوید: «رسانه‌ها اگرچه تنها منبع یادگیری اجتماعی نیستند و نفوذ و تأثیرشان به دیگر منابع یادگیری یعنی والدین، دوستان و معلمان وابسته است، ولی روی مردم تأثیر مستقیم دارند» [۲۶، ص ۱۴۰].

در توضیح درهم‌ریختگی زیست‌جنسی، علاوه بر موارد مطرح‌شده نباید از تمایلات هم‌جنس‌خواهانه غفلت کرد، زیرا با توجه به تجربیات پژوهش‌گران در میدان پژوهش و با توجه به روایت‌های افراد مورد مصاحبه تمایلات هم‌جنس‌خواهانه در فضاهای عمومی‌ای چون باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی، که مجال زیادی برای برهنگی مهیاست، سرکش‌تر می‌شود. این نکته را نیز نباید از ذهن دور داشت که نارضایتی‌های زناشویی و به دنبال آن ناکامی‌های جنسی تعدادی از زنان مورد مصاحبه تا حدی به جنسی‌شدن فضاهای عمومی و به‌طور خاص باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی می‌انجامد. بنابراین، بدین‌گونه است که تب جنسی یک جامعه را به فرهنگی هوسران تبدیل می‌کند؛ فرهنگ هوسرانی که با کم‌رنگ شدن حیا متحمل پیامدهای بی‌شماری نظیر رواج لذت‌گرایی، تنوع‌طلبی، کاهش ازدواج و افزایش طلاق، بلوغ زودرس و... دارد. در شرایطی که از یک طرف امیال و غرایز جنسی افراد به‌شدت سرکوب می‌شود و از طرف دیگر تبلیغات جنسی بی‌وقفه بر جامعه سرازیر است، هنجارهای جنسی دچار بی‌سامانی

می‌شود؛ یعنی وضعیتی که هنجارهای جنسی قبلی کارایی خود را از دست داده یا کم‌رنگ می‌شوند و در عین حال هنجارهای جنسی مناسب و درخوری جایگزین نمی‌شود. براساس نظریه آنومی، عمیق شدن شکاف بین ناکارآمدی هنجارهای موجود و عدم جایگزینی می‌تواند به فروپاشی اجتماعی منجر شود. هنجارهای جنسی کنونی در جهت مخالفت و روی گردانی با هنجارها و ارزش‌های قبلی به سمت آنچه بی‌بندوباری جنسی یا انحراف جنسی در نظر گرفته می‌شود، متمایل شده است. شاید بتوان گفت توجه افراطی به بدن به‌عنوان شیء جنسی شده و جنسی‌زده کردن محیط‌های عمومی نشانی است از مقاومت گروه‌های مغلوب جامعه که به لحاظ جنسی تأمین نمی‌شوند و شاید این اعمال آن‌ها واکنشی به فضای مبتنی بر سرکوبی یا دیکتاتوری غرایز باشد. اگر این فضای نابهنجاری جنسی را براساس آنچه در رویکرد آشفتگی بیان می‌گردد دارای قاعده‌ای بدانیم گویی در این فضای اجتماعی گفتمان جنسی جدیدی که در مغایرت با گفتمان‌های قبلی است شکل گرفته است. آنچه مسلم است اینکه فقر فضای گفتگو در حوزه زیست‌جنسی پیامدهای زیانباری برای افراد، خانواده‌ها و بطور کلی عموم جامعه به بار می‌آورد. عرضه کردن زیبایی جنسی و به قولی بردگی تن زنگ خطری است برای غرق شدن در بحران زیست‌جنسی که بجای بی‌اعتنایی، ضرورت بررسی‌های گسترده، همه‌جانبه، واقع‌بینانه و دغدغه‌مند را می‌طلبد. پذیرش آنومی فضای زیست‌جنسی که اولین گام در راهیابی به حل مسئله است و تن دادن به گفت‌وگو در این باب الزامات خود را طلب می‌کند که با رعایت آن‌ها می‌توان به‌عنوان راهکاری به خلق مفاهیم جدیدی در زیست‌جنسی دست یافت.

منابع

- [۱] ابراهیمی، قربانعلی؛ بهنوئی گدنه، عباس (۱۳۸۹). «سرمایه فرهنگی، مدیریت ظاهر و جوانان (مطالعه دختران و پسران شهر بابلسر)»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۸، ش ۳، پاییز، ص ۱۵۳-۱۷۶.
- [۲] استراوس، انسلم؛ جولیت کوربین (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش‌های کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- [۳] الی یز، اریک (۱۳۹۴). *موقعیت بدن بدون اندام*، ترجمه مهدی رفیع، تهران: نی.
- [۴] امینی، اکرم (۱۳۸۹). «بازنمایی زن در تبلیغات ایران و جهان»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، ش ۲۶، ص ۹۱-۱۰۳.
- [۵] ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۶] بودریار، ژان (۱۳۸۹). *جامعه مصرفی اسطوره‌ها و ساختارها*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث، چ ۲.

- [۷] ترنر، برایان. اس (۲۰۰۸). *بدن و جامعه*، ترجمه فاطمه سیارپور. ویرایش سوم، انسان‌شناسی و فرهنگ.
- [۸] توانا، میعاد (۱۳۸۹). هم‌جنس‌خواهی؛ باورهای رایج و یافته‌های علمی، www.Human3sexuality.blogspot.com.
- [۹] حاجی میری، فاطمه (۱۳۸۹). قدرت و بدن: بدن زنانه به مثابه ابژه قدرت. انسان‌شناسی و فرهنگ
- [۱۰] حدادی، میثم (۱۳۹۳). درونی‌شدن باور ابژه‌بودگی جنسی در دختران و مصرف بالای لوازم آرایش، مهرنامه، پایگاه خبری خانواده و زنان.
- [۱۱] حکیم، کاترین (۱۳۹۱). *سرمایه جنسی و نقش آن در مناسبات قدرت جامعه*، ترجمه ژیلایا سرابی، کتاب بانک.
- [۱۲] ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۷). «بدن و فرهنگ تناسب»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران، س اول، ش اول، بهار، ص ۱۱۷-۱۴۱.
- [۱۳] ذکائی، محمدسعید؛ صدیقی، سعیده (۱۳۹۴). «زنانگی و ورزش»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، س ۱۳، ش ۲، تابستان، ص ۶۷-۹۲.
- [۱۴] شریعتی مزینانی، سارا؛ مدرس صادقی، مریم (۱۳۹۰). «بازنمایی در آثار نقاشی زنان معاصر ایران»، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، س ۳، ش ۲، زمستان، ص ۳۵-۵۴.
- [۱۵] طائف، مهدی (۲۰۱۳). *فهم همجنس‌گرایی ایرانی؛ زمینه، معنا و ساختار*، تورنتو: گیلگمیشان.
- [۱۶] فکوهی، ناصر (۱۳۹۳). *میانی انسان‌شناسی*، تهران: نی، چ ۳.
- [۱۷] فلیک، اووه (۱۳۹۰). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، چ ۳.
- [۱۸] فوکو، میشل (۱۳۸۳). *اراده به دانستن*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- [۱۹] _____ (۱۳۷۸). *مراقبت و تنبیه، تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- [۲۰] مهدوی، محمدصادق و عباسی اسفجیر (۱۳۸۹). «بررسی میزان تمایل به مدیریت بدن و کنترل اندام و عوامل مؤثر بر آن»، *مجله مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، س اول، پیش‌شماره اول، تابستان، ص ۱۳۱-۱۴۵.
- [۲۱] میشل، آندره (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۲۲] نصرتی، روح‌الله (۱۳۸۷). *دیوانوشته‌ها و مقاومت در زندگی روزمره مطالعات فرهنگی*، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره، به اهتمام عباس کاظمی، ناشر: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.

- [۲۳] وبلن، تورشتاین (۱۳۸۳). *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
- [۲۴] ورهیس، سارا (۱۳۸۸). «پارادایم‌های نامتوازن از زنان و دختران در فیلم‌ها و انیمیشن‌های کودکان»، ترجمه محسن داوری، ماهنامه موعود، ش ۱۰۹.
- [۲۵] هالجین، ریچارد پی؛ ویتبورن، سوزان کراس، بیتا (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی روانی*، ج اول، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.
- [26] Bandura, A. (2002). Selective moral disengagement in the exercise of moral agency. *Journal of Moral Education*, 31 (2), P 102.
- [27] Beryant, A., Charmaz, C. (2007) *The Sage Handbook of Grounded Theory*. London: sage.
- [28] Bong, M., & Skaalvik, E. M. (2003). Academic self-concept and self-efficacy: how different are they really? *Educational Psychology Review*, 15(1): PP 1-40.
- [29] Gibson, W. J, Brown, A. (2009). *Working with Qualitative Data*. SAGE Publications Ltd.
- [30] Krane, V., Choi, P.Y.L., Baird, S.M., Aymar, C.M., Kauer, K.J. (2004). Living the Paradox: Female Athletes Negotiate Femininity and Muscularity. *Sex Role*, vol.50, March 2004.
- [31] Lennon, S. J. and Rudd, N.A. (1994). "Linkages Between Attitudes Toward Gender Roles, Body Satisfaction, Self-Esteem, and appearance Management Behaviors in Women". *Family and Consumer Sciences Research Journal*.